

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# یکصد و ده نکته ارزشمند

حجت الاسلام و المسلمین علی رشیدی کهلان

## یکصد و ده نکته ارزشمند

مؤلف: حجت الاسلام و المسلمین علی رشیدی

ناشر: عاصم

صفحه آرایی: واحد هنری انتشارات عاصم

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۲۷-۶۴-۳

قیمت روی جلد: ۲۰۰/۰۰۰ ریال

سرشناسه: رشیدی کهلان، علی، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور: یکصد و ده نکته ارزشمند / علی رشیدی کهلان.

مشخصات نشر: تبریز: انتشارات عاصم، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۴۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۲۷-۶۴-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۱۴

موضوع: ۲۰th century -- Hadith (Shiites) -- Texts

موضوع: احادیث اخلاقی -- قرن ۱۴

موضوع: ۲۰th century -- Hadiths, Ethical\*

موضوع: نکته گویی ها و گزینہ گویی ها

موضوع: Aphorisms and apothegms

موضوع: داستان های اخلاقی -- مجموعه ها

موضوع: Ethical fiction\* -- Collections

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ر۵/۹/۱۳۶ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۲۵۳۲۵

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب اعم از چاپ، کپی، تکثیر، ذخیره در سیستم های بازیابی محفوظ است.

موزیک بیس: نشر عاصم: ۰۹۱۴۵۸۷۴۳۵۲

بیس الکترونیک ناشر: nashre.asem@gmail.com فروش اینترنتی کتاب: www.asembook.ir

## تقدیم به

- محبوب‌ترین و مهربان‌ترین آموزگاران عالم بشریت، روح  
با عظمت و والای اول مظلوم عالم، مولای متقیان، امیر مؤمنان  
حضرت علی علیه السلام

- روح پاک و با عظمت ام ایها، صدیقه کبری، فاطمه  
زهرا علیها السلام

- روح آیت الله حاج شیخ یوسف باقری بنابی رحمته اللہ علیہ مؤسس  
حوزه علمیه حضرت ولی عصر عجل اللہ تعالی فرجه الشریف بناب که بنده در آن حوزه  
تحصیل کرده‌ام

- روح پدر و مادر عزیزم.

مقدمه مدیر محترم حوزه علمیه بناب استاد عالی قدر حضرت آیه الله  
حاج شیخ عبدالمجید باقری بنابی (دامت برکاته)

بسم الله الرحمن الرحيم

وله الحمد والصلوه على سيد الانبيا وآله الاطهار

مکتوب حاضر اثری از آثار متعدد فاضل خوش ذوق، پرکار باصفا  
و اهل وفا جناب حجت الاسلام علی رشیدی که حاوی نکات  
ارزنده و به یادماندنی، مفید و تاثیرگذار در دل هر انسان حق پذیر  
می باشد.

حقیر، جوانان عزیز بالاخص طلاب محترم را به مطالعه این نوشتار  
شریف توصیه می نمایم و از درگاه حضرت حق تعالی توفیق روزافزون  
برای خوانندگان و کاتب بزرگوار خواهانم.

عبدالمجید باقری بنابی

۹۷/۱۱/۱۵

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل على محمد وآل محمد  
صلواتك على سيدنا محمد وآل محمد  
صلواتك على سيدنا محمد وآل محمد

مکتوبه فرزند اناستدنا گل خوشتر زوق چکانه باجهنا

دایلمد ماغنا - عجب لاله صبر و شیدر که عا در کت از زند ما یاد

مانند دغید دمایر که در در حوان از عو پذیر می بارش

عید جوانان غیر مالد صبر ملب - عمر ام را به صبر و شیدر

تر صبر نامم در در دما - عفت صبر کما تو صبر در ز خود

برادر فاسد در دما تب بزرگوار خود نامم

بسم الله الرحمن الرحيم





## فهرست

پیشگفتار..... ۱۵

### فصل اول: نکات ارزشمند

- شبهات امام علی علیه السلام و سوره توحید..... ۲۱
- شش وصیت ارزشمند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سلمان فارسی رضی الله عنه..... ۲۱
- پاداش تعلیم دهنده مسائل دینی..... ۲۲
- پاداش تعلیم احکام..... ۲۳
- تکیه به غیر خدا..... ۲۳
- کلامی ناب از امام حسن مجتبی علیه السلام..... ۲۴
- برداشت‌های تربیتی از قرآن..... ۲۶
- پاداش شاد کردن قلب مؤمن پس از مرگ..... ۲۷
- جریان نجاشی و نامه امام صادق علیه السلام به حاکم اهواز..... ۲۸
- راهکارهای معنویت بخشی مراسم عید نوروز..... ۲۹
- نکته اول: مسأله نظافت..... ۲۹
- نکته دوم: پرهیز از گناه..... ۳۰

- نکته سوم: عدم اسراف..... ۳۱
- نکته چهارم: صله رحم..... ۳۲
- نکته پنجم: میهمان نوازی..... ۳۳
- زینت و زیبایی..... ۳۴
- زینت‌های معنوی..... ۳۵
- زیباترین سخن در کربلا..... ۳۶
- شب قدر و برکات آن..... ۳۷
- مهم‌ترین دلایل فضیلت شب قدر..... ۳۸
- تواضع و آثار آن..... ۳۸
- سه عمل وزین در قیامت..... ۳۹
- مؤمن آینه مؤمن است..... ۴۰
- موانع مقبولیت روزه..... ۴۱
- برکت صدقه..... ۴۴
- ثواب صدقه..... ۴۴
- آثار فکر کردن (عاقبت و تبعات معصیت)..... ۴۵
- نکات اخلاقی خانوادگی عارفان..... ۴۶
- از نصایح آیت الله بهجت رحمته‌الله‌علیه..... ۴۷
- آیت الله الهی رحمته‌الله‌علیه برادر علامه طباطبائی رحمته‌الله‌علیه..... ۴۷
- آیت الله شاه آبادی رحمته‌الله‌علیه..... ۴۷
- رعایت حال خانواده..... ۴۸
- شنیدن حاجات ما توسط امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فی‌امره..... ۴۸
- علاج ریا، وسواس، غرور و عصبانیت..... ۴۹
- اثر گفتن «لا حول و لا قوة الا بالله»..... ۴۹

- اذکار جهت عاقبت به خیر شدن..... ۵۰
- سرّی در برآورده شدن حاجات ..... ۵۰
- نکته‌های عرفانی از آیت الله کشمیری رحمته‌الله‌علیه ..... ۵۱
- دفع شدائد و سختی‌ها ..... ۵۲
- دفع غم و اندوه..... ۵۲
- حفظ نورانیت چشم..... ۵۲
- هدیه نماز به روح پدر و مادر ..... ۵۳
- توسل به امام جواد علیه‌السلام ..... ۵۳
- کیمیا..... ۵۴
- بهتر از کیمیا..... ۵۴
- تعقیبات نماز از حاج شیخ حسن نخودکی اصفهانی رحمته‌الله‌علیه ..... ۵۴
- چرا بهتر از کیمیا..... ۵۶
- آیه الكرسي کلید بهشت ..... ۵۶
- آیه الكرسي آیه مشکل گشا ..... ۵۷
- فضیلت قرائت سوره قل هو الله احد (توحید)..... ۵۷
- صلوات کلید حل مشکلات ..... ۵۸
- فضیلت آیه ۲ و ۳ سوره طلاق..... ۵۸
- شاه کلید همه قفل‌ها ..... ۵۹
- خیانت و تقلّب ..... ۶۰
- تجسّم شیطان بر حضرت موسی علیه‌السلام ..... ۶۰
- هجوم شیطان در وقت احتضار ..... ۶۰
- راهنمایی برای سرکوبی شیطان..... ۶۱
- ویژگی‌های آمرین بمعروف از زبان رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ..... ۶۱

- ۶۲..... آخرین لحظات مُحبِّ اهل بیت علیهم السلام
- ۶۳..... دیدنی های هنگام مرگ.....
- ۶۴..... شدت گرفتاری در قیامت.....
- ۶۴..... گناهان و عقوبت های آنها.....
- ۶۵..... مجازات غیبت در قیامت.....
- ۶۶..... مکافات غیبت.....
- ۶۶..... علم چهار کلمه است.....
- ۶۶..... چهار گوهر را چهار چیز ضایع می کند.....
- ۶۷..... ملائکه می خندند و می گریند.....
- ۶۹..... بوی بهشت.....
- ۶۹..... فراز هائی از وصیت نامه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله.....
- ۷۱..... آثار و برکات سوگواری برای امام حسین علیه السلام.....
- ۷۱..... شرکت در مجالس سوگواری و نفس کشیدن در جلسه عزاداری تسبیح است.....
- ۷۲..... سرمایه عمر.....
- ۷۴..... استفاده بهینه از سرمایه عمر.....
- ۷۵..... گوهر زمان.....
- ۷۶..... چهار چیز حُزن آور است.....
- ۷۶..... شناختن سه گروه در سه جا.....
- ۷۶..... خوف و رجا.....
- ۷۷..... از نصایح ارزشمند لقمان حکیم.....
- ۷۷..... مردم چهار دسته اند.....
- ۷۸..... هشت نکته از چهارصد هزار نکته.....
- ۷۹..... حضرت آدم علیه السلام در برابر شش مجسمه.....

۸۰	مقدمه بزرگی
۸۱	مقامات عالی‌ه الهی
۸۱	پنج مسأله
۸۲	چهار چیز از غرائب است
۸۳	فرق انسان‌ها (۱)
۸۳	فرق انسان‌ها (۲)
۸۴	غذای حرام موجب عدم استجابت دعا
۸۴	دورکعت نماز و چهار زن بهشتی
۸۵	کلید خیر و قفل شرّ

### فصل دوم: داستان‌های دل‌انگیز

۸۹	اتاق تعویض
۹۰	خیانت به شوهر
۹۱	آثار نغمه‌ها و اذان در گوش کودک
۹۱	کاری ارزشمندتر از طلای روی زمین
۹۲	مراقبت در نگهداری اخلاص عمل
۹۳	اثر ایمان به خدا
۹۵	خدا ترسی زن باغبان
۹۵	خشت‌های طلا و نقره
۹۶	ارزش فرزند صالح
۹۷	محل گذر
۹۷	نماز پیامبر اکرم ﷺ
۹۷	مراعات حال همسایه

- برکات صله رحم ..... ۹۹
- دلگرمی به رحمت خدا ..... ۱۰۱
- درب بهشت و صورت حور العین ..... ۱۰۳
- حکایت چلو کبابی ..... ۱۰۳
- عنایت امام صادق علیه السلام به سید حمیری ..... ۱۰۴
- اطلاع امام صادق علیه السلام از حادثه رود بلخ ..... ۱۰۶
- درخواست آیت الله حائری در حرم امام رضا ..... ۱۰۷
- أسقف مسلمان شد ..... ۱۰۸
- مستحبی که هزار واجب در آن است ..... ۱۱۰
- من خودم به دیدار شما می آیم ..... ۱۱۱
- تعهد با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک ..... ۱۱۳
- ماجرای عجیب قاسم بن علاء و نامه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک ..... ۱۱۶
- نکته‌های آموزنده از این حکایت ..... ۱۲۰
- معطر شدن ملائکه در مجلسی که نام ائمه علیهم السلام ذکر می شود ..... ۱۲۱
- از عطش امام حسین علیه السلام حیا کردم ..... ۱۲۲
- روضه امام حسین علیه السلام، کوچ از قتلگاه ..... ۱۲۳
- زبان حال حضرت زینب کبری علیه السلام در قتلگاه ..... ۱۲۵
- کلید بهشت و جهنم در دست علی علیه السلام ..... ۱۲۵
- دعای معروف ابوذر رضی الله عنه در میان اهل آسمان ها ..... ۱۲۶
- منابع ..... ۱۲۹

## پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

احاديث و بيانات نوراني و نکات ناب و حکايت‌هاي زيبا و پرمحتوا، مرواريدهاي درخشاني هستند که از ائمه اطهار عليهم السلام و علمای ربّاني و شخصيت‌هاي اخلاقي و عرفاني به يادگار مانده است مانند گلستاني است که از مجموعه گل‌هاي زيبا، معطر و روح نواز تشکيل شده که شامل پيام‌ها و نکات اخلاقي، تربيتي، اجتماعي و عرفاني مي‌باشد و داروي دردهاست. امام باقر عليه السلام مي‌فرمايند:

«ان حديثنا يحيي القلوب.»<sup>۱</sup>

احاديث و سخنان ما باعث زنده شدن دل‌هاست.

گاهی خواندن و شنیدن حدیث، نکته یا حکایت اخلاقی چنان تحولی در زندگی انسان ایجاد می‌کند و او را از خواب غفلت بیدار می‌نماید. مطالبی که برای خودسازی انسان مفید و تأثیرگذار است، خواندن آنها ضروری و بسیار ارزشمند می‌باشد، علامه حسن زاده آملی می‌فرماید:

واجب‌ترین چیزی که در دنیاست خود سازی است و از این واجب‌تر نداریم.

به معنای اتمّ چنین سخنانی نردبان سعادت است.

روزگار ما روزگار شتاب است، دیگر کسی حوصله مطالعه کتاب‌های پرورق و داستان‌های طولانی را ندارد و فقط عده کمی از اهل تحقیق و پژوهش کتاب‌های قطور را مطالعه می‌کنند. همه می‌خواهند در مدت اندکی مطالب بسیار فراگیرند. بنابراین نوشتن مطالب کوتاه با معانی بلند و پر محتوی از اهمیت خاصی برخوردار است. کتاب حاضر گلچین ده‌ها کتاب مفید و پر محتوایی است که به نام (یکصد و ده نکته ارزشمند) نام گذاری شده و دارای دو فصل با بیش از نود موضوع می‌باشد. فصل اول: نکات ارزشمند و فصل دوم: گلچین داستان‌های دل‌انگیز. معمولاً در هر داستان اخلاقی نکته‌ای و بلکه نکاتی برای بهره برداری وجود دارد. در یکصد و ده چه سربست؟ نام زیبا و دلربای علی علیه السلام که به حروف ابجد یکصد و ده هست. سعی ما این بوده که مطالب، خلاصه، پر محتوی، جذاب، متنوع و دارای نکات و پیام‌های اخلاقی، تربیتی و تأثیرگذار باشد.



برخی از مطالبی که در این کتاب آمده است، به حقیقت اکسیر اعظم اند که ان شاء الله جویندگان و پویندگان از این علوم شریف با رعایت حدود شرعی و آداب ذکر و دعا و عمل به فرمایشات ائمه اطهار علیهم السلام بهره کامل از آنها برده که موجب سعادت دنیا و آخرت انسان می شود و حقیر را در حیات و ممات دعا کنند تا در «یوم لا یَنفَعُ مَالٌ وَ لا بَنُونَ»<sup>۱</sup> فریاد رس بنده باشند. این نوشتار با اخلاص کامل تقدیم خوانندگان عزیز می گردد و از روی تضرع دست نیاز به پیشگاه خداوند بی نیاز دراز نموده و از ذات پاک حضرتش استعانت می جویم،

خداوند، به این نوشتار اثر و برکت عطا فرما. یا مالِکُ یا مالِکُ یا دالّ.<sup>۲</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«الْمُؤْمِنُ إِذَا مَاتَ وَ تَرَکَ وَرَقًا وَاحِدًا عَلَیْهَا عِلْمٌ تَکُونُ تِلْکَ الْوَرَقَةُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ سِتْرًا فِیْهَا بَیْنَهُ وَ بَیْنَ النَّارِ»<sup>۳</sup>

هرگاه مؤمنی از جهان در گذرد و تنها یک برگ از خود میراث بگذارد که در آن دانشی نوشته شده باشد همان برگ پرده ای میان او و آتش دوزخ خواهد بود.

و از استاد فرزانه آیت الله حاج شیخ عبدالمجید باقری بنابی (دامت برکاته) مدیر محترم حوزه علمیه بناب و حجت الاسلام و المسلمین

۱. سوره شعراء / ۸۸

۲. برای نفوذ کلام قبل از صحبت کردن در هر جلسه ای بگوئید: یا مالک یا مالک یا دالّ. هزار و یک گزاره، ص ۱۷-کشکول امامت.

۳. امالی شیخ صدوق، ج ۳، ص ۴۰

حاج شیخ مصطفی باقری بنابی امام جمعه محترم و محبوب شهرستان  
بناب که مشوق بنده بودند، تقدیر و تشکر می‌نمایم. و همچنین از  
حجت الاسلام آقای حسن فقهی که در تألیف این کتاب همکاری  
نمودند تشکر می‌نمایم.

بار الها ما را از عنایات مولایم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بهره مند فرما و  
زیارت آن حضرت را روزی ما بگردان و ما را عاقبت به خیر بفرما.  
ران ملخی پیش سلیمان بردن

عیب است و لیکن هنراست از موری

علی رشیدی کهلان

مراغه - ۱۳۹۷

فصل اول:  
نکات ارزشمند



## شبهات امام علی علیه السلام و سوره توحید

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

یا علی، همانا در تو مثالی است مانند سوره قل هو الله احد! هرکس آن را یک بار بخواند یک سوم قرآن را خوانده است و هرکس آن را دو بار خوانده باشد دو سوم قرآن را خوانده است. و هرکس آن را سه بار بخواند کل قرآن را خوانده است. یا علی! هرکس تو را در قلبش دوست داشته باشد ثواب یک سوم امت (مسلمانان) را دارد و هرکس در قلبش تو را دوست داشته باشد و با زبانش تو را یاری کند اجر دو سوم امت را دارد و هر کس تو را در قلبش دوست داشته باشد و با زبانش تو را یاری کند و با شمشیرش تو را یاری کند (با عملش به یاری تو اقدام نماید)، ثواب کل امت را دارد.<sup>۱</sup>

شش وصیت ارزشمند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سلمان فارسی رضی الله عنه

سلمان فارسی رضی الله عنه می گوید:

---

۱. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۷۳۹، علامه سید هاشم بحرانی.

- حبیب رسول اکرم ﷺ شش خصلت به من وصیت کردند که در هیچ حالی آنها را ترک نمی گویم و آن شش وصیت عبارتند از:
- همیشه در زندگی مادی به آدم‌های بالاتر از خودت نگاه نکن، بلکه به آدم‌های پائین تراز خودت نگاه کن.
  - به فقرا مهربانی کن و آنها را دوست داشته باش.
  - همیشه حرف حق را بگو اگر چه شنونده ناراحت شود.
  - همیشه به دیدن اقوام و آشنایان برو اگر چه آنها به دیدن تو نیایند.
  - از کسی چیزی در خواست نکن.
  - این جمله را زیاد بخوان لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم.<sup>۱</sup>

### پاداش تعلیم دهنده مسائل دینی

پیامبر اکرم ﷺ به خداوند عرض نمودند:

بارالها! برجانشینان من درود و رحمت فرست. و این دعا را سه بار تکرار فرمودند. اصحاب پرسیدند: ای رسول خدا! چه کسانی هستند جانشینان شما؟ حضرت فرمودند: کسانی که سنت، دین مرا زنده می کنند و آن را به بندگان خدا می آموزند.<sup>۲</sup>

۱. گنجینه محمد عطار، ص ۲۴۵- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۲۹.

۲. بحار الانوار، مجلسی، ج ۲، ص ۲۵-درآمدی برآموزش احکام، ص ۱۵.

## پاداش تعلیم احکام

حضرت امام صادق علیه السلام می فرمایند:

هر کس معارف دین را بیاموزد و برای رضای خداوند به دیگران تعلیم دهد و به آن عمل کند در میان آسمانیان (در مقام های بلند آسمان) از او به عظمت یاد می شود و برایش چنین شعاری می دهند: (فلانی کسی است که) برای خدا یاد گرفته و برای خدا عمل کرده و برای خدا به دیگران تعلیم داده است.<sup>۱</sup>

## تکیه به غیر خدا

حضرت علی علیه السلام فرمود:

یک خصلت است که هر کس به آن عمل کند از همه مردم قوی تر می شود و آن توکل و اعتماد بر خدا است در هر امری.<sup>۲</sup>

معمولاً انسان ها در دنیا به هر چه غیر خدا تکیه کنند از همان جا ضربه می خورند. مثلاً کسی که به مالش تکیه کرده، از همان مال ضربه می خورد. کسی که به قدرتش، شهرتش، جمالش، خانه اش و ... دل خوش کرده از همان جا لطمه می بیند. مانند فرعون که افتخارش این بود که رود نیل از آن اوست («وهذه الانهار تجري من تحتي») و در همان رود هم غرق شد.

ما باید فقط و فقط به خدا توکل کنیم و فقط و فقط به او تکیه کنیم:

---

۱. اصول کافی، ج ۱، حدیث ۶، ص ۴۳، محمدبن یعقوب کلینی.

۲. گنجینه عطار، ص ۱۰۵.

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ.

داستان کوتاه:

هنگامی که برادران در حال انداختن یوسف علیه السلام به چاه بودند، ناگهان یوسف علیه السلام شروع به خندیدن کرد. برادران سخت در تعجب فرو رفتند که این چه جای خنده است، گوئی برادر، مسئله را شوخی گرفته است بی خبر از این که تیره روزی در انتظار او است، اما او پرده از راز خنده برداشت و درس بزرگی به همه آنها آموخت و گفت: فراموش نمی کنم روزی به شما برادران نیرومند با آن بازوان قوی و قدرت فوق العاده جسمانی نظر افکندم و خوشحال شدم، با خود گفتم کسی که این همه یار و یاور نیرومند دارد چه غمی از حوادث سخت خواهد داشت، آن روز بر شما تکیه کردم به بازوان شما دل بستم، اکنون در چنگال شما گرفتارم و از شما به شما پناه می برم و به من پناه نمی دهید، خدا شما را بر من مسلط ساخت تا این درس را بیاموزم که به غیر او، حتی برادرانم هم تکیه نکنم.<sup>۱</sup>

کلامی ناب از امام حسن مجتبی علیه السلام

امام حسن مجتبی علیه السلام می فرمایند:

هرگاه مستحب به واجب زیان برساند، آن را ترک کن.

مثل این که:

- صدقه مستحبی می دهند، خمس و زکات نمی دهند.

۱. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۴۲، آیت الله مکارم شیرازی.



- کربلا و سوریه می‌روند، حج واجب را ترک می‌کنند.
- شب‌ها تا سحر سینه می‌زنند، نماز صبح نمی‌خوانند.
- سال‌ها نماز صبح قضا دارند و نمی‌خوانند. قضای نماز غفیله می‌خوانند.

امام علیه السلام در این روایت می‌فرماید:

به اصل پردازید نه به فرع.

در اینجا بد نیست نگاهی به وضع جهان در این روزها بیفکنیم تا ببینیم این کشورهای غربی به ظاهر متمدن، چگونه با پرداخت به فرعیات به سمت سقوط می‌روند و آیا راه نجاتی جز پناه بردن به اصل یعنی راه خدا و رسول خدا داریم؟

- امروز بازیها جدی گرفته شده و جدی‌ها بازی.
- ابزار تأمین، پیشرفت کرده ولی امنیت عقب رفته است.
- تجملات اصل و معنویات فرع شده است.
- درآمدها بالاتر رفته، اخلاقیات پایین تر رفته است.
- آسایش بیشتر شده لبخند کمتر شده است.
- علم رشد کرده ولی عاطفه تنزل کرده است.
- تحصیلات بالا رفته، احساسات کمتر شده است.
- خانه‌ها بزرگتر شده، خانواده‌ها کوچک تر شده است.
- در طی کردن مسافت به کره ماه رسیدیم اما از رفتن به خانه همسایه غافلیم.

- برکمت افزوده‌ایم، از کیفیت کاسته شده است.<sup>۱</sup>

### برداشت‌های تربیتی از قرآن

اگر قصد راهنمایی و تربیت کسی را دارید در قدم اول از گفتار نرم و با محبت بهره‌گیری، حتی اگر مخاطب شما فرعون سرکش یا سران لجوج کفار جاهلی باشد.<sup>۲</sup>

۱. در رفتارهای اجتماعی دقت کن مبادا باغرور، رویت را از دیگران برگردانی یا مثل متکبران راه بروی، مبادا تند و کند رو شوی، میانه روی بهترین روش است. مراقب باش صدایت را بر کسی بلند نکنی.<sup>۳</sup>

۲. اگر بخواهی از اکثریت مردم به خاطر این که اکثریت هستند پیروی کنی بدون شک از راه خدا دور می‌شوی، همیشه با چشمان باز تصمیم بگیر.<sup>۴</sup>

۳. روش برخورد با دیگران و جذب ایشان:

فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظاً غليظاً القلب لا نفصوا من  
حولك فاعف عنهم واستغفر لهم.<sup>۵</sup>

برداشت‌های اخلاقی از این آیه عبارتند از اینکه: اگر می‌خواهید

۱. الحیة، ج ۱، ص ۵۵۳، - سیره پیامبر اکرم ﷺ، ص ۳۷، محسن قرآتی.

۲. سوره طه / ۴۴ - سوره شعرا / ۲.

۳. سوره لقمان / ۱۹.

۴. سوره اسرا / ۳۶.

۵. سوره آل عمران / ۱۵۹.

مخاطبان به سوی شما جذب شوندف، ابتدا به خودتان پردازید زیرا روح خشک و سنگین هیچ گاه در امور تربیت موفق نمی شود. مهربانی و دلسوزی و رقت قلب را در خود پرورید تا مردم بی آنکه شما متوجه شوید، در اطرافتان جمع گردند.<sup>۱</sup>

### پاداش شاد کردن قلب مؤمن پس از مرگ

رسول خدا ﷺ فرمودند:

اگر مؤمنی قلب مؤمنی را شاد کند، خداوند از این شادی فرشته‌ای خلق می کند که خدا را حمد و عبادت می کند و زمانی که مؤمن شاد کننده در قبر گذاشته می شود آن شادی (فرشته) وارد قبر او می شود و می گوید: آیا مرا می شناسی؟ می گوید: شما کیستی؟ جواب می دهد که من آن شادی هستم که آن را در قلب فلان مؤمن وارد کردی، امروز من انیس و سپرتو از وحشت می شوم، محبت تو را به تو یاد می دهم و تو را با قول و گفتار پایدار ثابت می کنم و با تو در مشاهده قیامت حاضر می شوم و در نزد خدا شفاعت می کنم و مقام و منزل تو را در بهشت نشان می دهم.<sup>۲</sup>

افضل عبادات که بعد از ایمان به خدا در روایات بیان شده سه چیز است که این سه چیز اکسیر اعظم است: اول: صلح دادن میان دو نفری که با هم قهرند. دوم: رفع گرفتاری از جامعه مؤمنین و

---

۱. موعظه خوبان، ص ۴۸، سید علی رضا ادیبانی.

۲. هزار و یک گزاره، ص ۴۸۸، سعید هاشمی - قصه‌های قیامت، ص ۱۰۱.

خدمت به مردم. سوم: دوست داشتن ائمه اطهار علیهم السلام و (محمد و آل محمد علیهم السلام)<sup>۱</sup>.

خواهی چو خلیل، کعبه بنیاد کنی  
و آن را به نماز و طاعت آباد کنی  
روزی دو هزار بنده آزاد کنی  
به زآن نبود که خاطری شاد کنی.<sup>۲</sup>

### جریان نجاشی و نامه امام صادق علیه السلام به حاکم اهواز

یکی از شیعیان به امام صادق علیه السلام عرض کرد: در دفتر نجاشی، خراجی (مالیات) مرا زیاد نوشتند و از طرفی چون نجاشی (حاکم اهواز) فرمان بردن از شما را عقیده دارند، اگر صلاح بدانید از برای من به آنها توصیه‌ای بنویسید. امام صادق علیه السلام نوشتند:

سُرَّكَ اخَاكَ يَسُرُّكَ اللهُ؛ برادرت را شاد کن تا خدا تو را شاد کند.

او نامه را گرفت و نزد نجاشی آمد، زمانی که مجلس عمومی بود، چون خلوت شد نامه را به او داد و گفت این نامه امام صادق علیه السلام است، نجاشی نامه را بوسید و روی دیده گذاشت و گفت: حاجت چیست؟ گفت در دفتر شما خراجی (مالیات) بر من است، نجاشی گفت چه مقدار است؟ گفت: دوهزار درهم و من توان پرداخت آن را ندارم. نجاشی دفتردارش را خواست و دستور داد که حساب آن مرد

۱. گنجینه عطار، ص ۱۲۹.

۲. ابوسعید ابوالخیر، رباعی ۶۹۱.

را خود او می‌پردازد و بدهی او را از دفتر خارج کند و برای سال آینده هم همان مقدار بنام نجاشی بنویسد، سپس به او گفت: آیا تو را شاد کردم؟ گفت: آری قربان، آن گاه دستور داد به او مرکب و نوکر دهند و نیز دستور داد یک دست لباس به او دادند و در هر یک از آن‌ها می‌گفت تو را شاد کردم و او نیز می‌گفت: بلی قربان، تا اینکه نجاشی از عطا کردن فراغت یافت. سپس گفت: فرش این اتاق را هم که رویش نشسته بودم هنگامی که نامه مولایم را به من دادی بردار و ببر و بعد از این حوائج را پیش من بیار. مرد فرش را بر داشت و خدمت امام صادق علیه السلام رفت و جریان را چنان که اتفاق افتاده بود گزارش داد، حضرت از رفتار نجاشی مسرور شد، مرد گفت: مثل اینکه نجاشی با این رفتار شما را شادمان کرد؟ امام فرمود: آری به خدا، خدا و پیامبرش را هم شاد کرده است.<sup>۱</sup>

### راهکارهای معنویت بخشی مراسم عید نوروز

اگر می‌خواهیم نوروزی شاد توأم با معنویت داشته باشیم باید به چند نکته توجه بکنیم:

#### نکته اول: مسأله نظافت

عید نوروز یک عید باستانی است و اسلام آن را نفی نکرده. از کارهای قبل از عید نوروز و استقبال از آن، خانه تکانی و نظیف کردن

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۷۳، ترجمه: سید جواد مصطفوی.

محیط خانه است. محیط تمیز خانه، لباس مرتب و تمیزی چیزی است که انسان فطرتاً آن را دوست دارد. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

خداوند جمال و تجمل را دوست دارد، خداوند زیاست و زیباییها را دوست دارد و شلختگی و بی نظمی را دوست نمی‌دارد  
در ادامه حدیث آمده:

خداوند وقتی به بنده نعمتی می‌دهد دوست دارد اثر آن نعمت را ببیند، پرسیدند چگونه؟ حضرت فرمود: انسان خانه‌اش را تمیز و معطر کند و تارهای عنکبوت را برطرف نماید.<sup>۱</sup>

### نکته دوم: پرهیز از گناه

یکی دیگر از نکات قابل توجه در زندگی این است که انسان مرتکب گناه نشود، امام علی علیه السلام می‌فرماید:

کل یوم لایعصی الله فیه فهو عید؛<sup>۲</sup>

هر روزی که انسان در آن روز گناه نکند آن روز برایش عید است.

و امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِينَ أَنْ يَجْلِسَ مَجْلِسًا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ وَلَا يَقْدِرُ عَلَى

تغییر؛

---

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۳۰۰- وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۱.

۲. نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۴۲۸.

سزاوار نیست برای مؤمن، در مجلسی بنشیند که در آن معصیت  
خدا می‌شود و او برای جلوگیری از گناه اقدامی نکند و جلوی گناه  
را نگیرد و امر به معروف و نهی از منکر نکند.<sup>۱</sup>

آیه الله بهجت می‌فرماید:

تمام انحرافات ما از این است که خدا را ناظر و شاهد نمی‌بینیم.  
یکی از مصادیق مجلس گناه عدم رعایت محرم و نامحرم در  
معاشرت هاست.

نکته سوم: عدم اسراف

یکی از نکات قابل توجه در زندگی اسراف نکردن است. در  
حدیث داریم رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:  
عذاب قبر به خاطر ضایع کردن نعمت‌های خداوند می‌باشد (یعنی  
اسراف کردن).<sup>۲</sup>

برای روشن شدن مطلب یک مثال می‌زنیم: آیا تا به حال  
فکر کرده‌ایم که اگر روزی ما فقط یک دانه برنج دور بریزیم (که  
متأسفانه بیشتر از این دور می‌ریزیم) در سال چقدر می‌شود؟ چند  
گرسنه را می‌توان با این میزان برنج سیر کرد؟ توضیح این واقعیت  
تلخ: جمعیت کشور را اگر ۷۰ میلیون نفر در نظر بگیریم، دور ریز  
هر روز ۷۰۰۰۰۰۰۰ دانه برنج که حدود ۷ تن می‌شود.

---

۱. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۹۹ علامه مجلسی رحمته الله علیه.

۲. بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۲۱

هر ۱۰۰۰۰ دانه برنج معادل یک کیلو گرم برنج می باشد که نتیجه می گیریم:

$$۷ \times ۳۰ = ۲۱۰ \text{ تن} = ۳۰ \text{ روز}$$

$$۱۲ \times ۲۱۰ = ۲۵۲۰ \text{ تن} = \text{هر سال}$$

### نکته چهارم: صله رحم

یکی از سنت‌های حسنه و یکی از سفارشات ائمه اطهار علیهم‌السلام صله رحم است، ما در برنامه‌های عید نوروز که حدود دو هفته طول می کشد می توانیم از این فرصت استفاده نمائیم و صله رحم را قریباً الی الله انجام دهیم که این کار باعث ایجاد برکات در زندگی ما می شود. در رابطه با آثار و برکات صله رحم توجه خوانندگان عزیز را به این حدیث جلب می کنم: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

من ضمن لی واحده ضمانت له اربعة یصل رحمه فیحبه اهله و یوسع علیه رزقه و یزید فی عمره و یدخله الله تعالی الجنة التی وعده؛

هرکس ضمانت کند برای من این را که صله رحم انجام دهد من ضامن می شوم برای او چهار چیز را: محبوب خانواده اش می شود، رزق و روزی او فراوان می شود، عمرش طولانی می شود و به بهشتی که خدا وعده داده داخل خواهد شد.<sup>۲</sup>

یکی دیگر از برنامه‌های نوروز، رسیدگی به فقرا و مساکین و

۱. ۳۱۳ نکته گهربار، ص ۵۵، علی رشیدی.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۴، میرزا حسین نوری.



عیادت از مریض می‌باشد. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند:  
کسی که برای برآوردن نیاز بیماری تلاش کند، خواه نیاز او برآورده  
شود یا نه، همانند روزی که از مادر متولد شده است، از گناهان  
پاک می‌شود.<sup>۱</sup>

### نکته پنجم: میهمان‌نوازی

یکی دیگر از برنامه‌های نوروز، پذیرائی از میهمان و میهمان‌نوازی  
است. امام علی علیه السلام می‌فرمایند:  
کسی که صدای قدم میهمان را بشنود و شاد و خوشحال شود  
خداوند گناهان (گناهان حق الله) او را می‌بخشد، اگر چه به اندازه  
زمین و آسمان باشد.<sup>۲</sup>

یکی دیگر از شیوه‌های سبک زندگی اسلامی دقت در معاشرت  
با مردم و خوش خلقی با آنهاست. امام علی علیه السلام در جمله زیبایی روش  
زندگی با مردم را چنین بیان می‌کند. می‌فرمایند:

خالطوا الناس مخالطة ان متم معها بکوا علیکم و ان عشتم حنوا  
الیکم؛<sup>۳</sup>

با مردم به گونه‌ای معاشرت و رفتار داشته باشید که اگر مُردید  
برای شما گریه کنند و اگر زنده ماندید مشتاقانه به سوی شما بیایند و

---

۱. بحار الانوار، ج ۸۱، علامه مجلسی علیه السلام.

۲. جامع السعادات.

۳. نهج البلاغه، حکمت دهم.

از شما گریزان نباشند.<sup>۱</sup>

یاد داری که وقت زادن تو

همه خندان بُدند و تو گریان

آن چنان زی که وقت مُردن تو

همه گریان بُوند و تو خندان<sup>۲</sup>

سخنان خوب و دلنشین مانند عسل، شیرین و گوارا هستند و برای روح و جان شفا بخش می‌باشند. امیدواریم با عمل به فرمایشات ائمه اطهار علیهم‌السلام نوروزی شاد توأم با معنویت و موفقیت داشته باشید. ان شاء الله...<sup>۳</sup>

### زینت و زیبائی

انسان فطرتاً زیبائی را دوست دارد. از لباس زیبا، صدای زیبا، منظره زیبا، کلام شیوا، خط خوش و بوی خوش لذت می‌برد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به جوانی که موهای ژولیده‌ای داشت فرمود:  
یا موهایت را کوتاه کن و یا شانه بزنی.<sup>۴</sup>

و خود آن بزرگوار هنگام خروج از منزل در مقابل آینه سر و صورت خود را مرتب می‌کرد و می‌فرمود:

---

۱. نهج البلاغه، حکمت، ش ۱۰.

۲. ۳۱۳ نکته گهربار، ص ۴۵، علی رشیدی کهلان

۳. قسمتی از مقاله مؤلف در باره عید نوروز.

۴. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۳۴۰

### لا یدخل الجنة الا النظيف<sup>۱</sup>؛

وارد بهشت نمی شود مگر افراد نظیف.

اسلام برای زینت و خود آرائی مرزهایی را قرار داده که باید مراعات شود تا کرامت انسان خدشه دار نشود، توجّه داشته باشیم که:

زینت و خود آرائی به تجمل پرستی کشیده نشود زیرا مانع حق پرستی می گردد.

زینت و خود آرائی به مُد پرستی کشیده نشود زیرا مانع استقلال فرهنگی و فکری می شود.

زینت و خود آرائی به چشم و هم چشمی نکشد که مانع آرامش می شود.<sup>۲</sup>

### زینت‌های معنوی

- زینت دین، صبر و تسلیم است.
- زینت زمامداری، عدالت است.
- زینت انسان، ایمان است.
- زینت خدمت، مَنّت نگذاشتن است.
- زینت مجالس، نام امام علی علیه السلام است.

---

۱. نهج الفصاحة، حدیث ۱۱۲.

۲. همراه با نماز، ص ۷۷، استاد محسن قرائتی.

- زینت زن، عفاف و حجاب است.
- زینت کشور، سپاه و ارتش قدرتمند است.<sup>۱</sup>

### زیباترین سخن در کربلا

بُریبرن خضیرهمدانی کوفی از اصحاب امام علی علیه السلام و از بزرگان قبیله همدان کوفه بود. او چهل سال نماز صبح خود را با وضوی نماز عشا بجا می‌آورد و هرشب یک ختم قرآن می‌کرد و در زمان او کسی عابدتر از او نبود. قاری قرآن مسجد جامع کوفه بود و مورد اعتماد امام سجاد علیه السلام و اهل حدیث هم بود و او را سید قرّاء می‌نامیدند. گرچه همه‌ی اعمال و سخنان یاران امام حسین علیه السلام در فداکاری و جان نثاری در اطاعت و پیروی از امام حسین علیه السلام زیبا و درس آموز و اسوه برای تاریخ بشریت هستند، اما سخن بُریبرن خضیر در تجدید عهد با امام حسین علیه السلام بسیار زیباتر است. زیباترین جمله بریر خطاب به امام حسین علیه السلام در کربلا چنین است:

یا بن رسول الله! لقد منَّ الله بک ان تُقاتل بین یدک، تقطع فیک  
اعضائنا ثمَّ یکون جدُّک شفیعنا یوم القیامة؟

ترجمه:

ای پسر رسول خدا! خدای تعالی وجود مبارکتان را برای ما منت نهاده در رکاب شما نبرد کنیم، در راه شما اعضای بدنمان تکه تکه می‌شود سپس جد شما در روز قیامت شفیع ما می‌شود.

۱. همراه با نماز، ص ۷۷، استاد محسن قرائتی. - نهج البلاغه، عهد نامه مالک اشتر.

بریر می خواهد به امام حسین علیه السلام بگوید:

خداوند به وسیله شما به ما منت گذاشته که پیش روی شما جهاد کنیم و اعضای بدنمان قطعه قطعه گردد و درحقیقت شما به ما منت دارید نه ما برای شما.

مهم ترین پیام سخن دلربای بریر این است که در هیچ جا و به هیچ وجه در کار خیر بر کسی منت نگذاریم.<sup>۱</sup>

### شب قدر و برکات آن

رسول خدا صلی الله علیه و آله در ایامی که سه روز از ماه شعبان باقی مانده بود، به بلال فرمود:

مسلمانان را به مسجد بخوان.

چون حاضر شدند، بر فراز منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی فرمود:

ای مردم! پروردگار، این ماه را به شما اختصاص داده است. آن، سیّد ماه هاست و در آن، شبی است که از هزار ماه نیکوتر است.<sup>۲</sup>

حضرت در حدیثی دیگر درباره عظمت این شب می فرماید:

روزی حضرت موسی علیه السلام در حال مناجات با خداوند متعال، عرض کرد: خدایا من قرب به تو را مسئلت دارم. خطاب شد: قرب به

---

۱. یاران شیدای حسین بن علی علیه السلام، با تلخیص توسط مؤلف - منتهی الآمال ج ۱، ص ۴۹۲.

۲. نورالثقلین، ج ۵، ص ۹۱۸، حویزی.

من، برای کسی که شب قدر بر بینوایان ترحم کند. موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کرد: خدایا! عبور از صراط را می خواهم. خطاب رسید: آن، برای کسی است که در شب قدر صدقه‌ای بدهد. عرض کرد: خدایا درختان و میوه‌های بهشتی را می خواهم.

خطاب آمد: آن برای کسی است که در شب قدر آمرزش بخواهد و استغفار کند. عرض کرد: خدایا! خرسندی و رضایت تو را می خواهم از طرف خدا خطاب رسید: خرسندی من برای کسی است که در شب قدر دو رکعت نماز بگذارد.<sup>۱</sup>

### مهم‌ترین دلایل فضیلت شب قدر

- شب نزول قرآن.
- شب تقدیر امور.
- شب نزول فرشتگان.
- شب رحمت خاصه الهی.
- شب مغفرت و آمرزش گناهان.
- شب اسارت شیطان و ایمنی انسان.
- شب تقدیر ولایت و امامت.
- شب مخصوص امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ.

## تواضع و آثار آن

اگر می‌خواهی محبوب مردم شوی، ایمان، تواضع و بخشش را فراموش نکنی.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

سه چیز دوستی می‌آورد: دینداری، افتادگی و بخشندگی.<sup>۱</sup>

اگر می‌خواهی هیچ وقت پشیمان نشوی همیشه با نرمی و ملایمت با مردم بر خورد کن.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

برای کسی که بسیار نرم و ملایم است پشیمانی در کار نیست.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

تکبر نمی‌ورزد مگر انسان بی شخصیت.<sup>۲</sup>

## سه عمل وزین در قیامت

رسول اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر غفاری فرمود:

آیا نمی‌خواهی تو را عملی تعلیم کنم و آگاه سازم که بر بدنت خفیف است اما در میزان عملت در قیامت بسیار وزین و سنگین است؟ ابوذر گفت: بلی بفرما: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آن عملی که در قیامت وزین و سنگین است یکی سکوت است یکی حُسن خُلق و دیگری آن که سخن گفتن در مورد چیزی که به تو مربوط

---

۱. تحف العقول، ص ۵۶۸، ترجمه حسن زاده

۲. غررالحکم، عبدالواحد آمدی.

نمی‌شود را ترک کنی.<sup>۱</sup>

مؤمن آئینه مؤمن است

امامان ما گاهی در قالب یک مثال به اندازه یک کتاب با ما حرف زده‌اند، حدیث زیبایی است از امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمودند:  
المؤمنُ مِرْأَةُ الْمُؤْمِنِ. مؤمن آئینه مؤمن است.

نکات جالب و ارزشمند از این حدیث استفاده می‌شود که حاوی آیین دوست‌یابی است:

۱. آئینه عیب و ایراد و آلودگی‌ها را نشان می‌دهد، مؤمن هم باید عیب برادرش را به او بگوید و ترس و خجالت مانع نشود.
۲. آئینه در کنار عیب‌ها زیبایی‌ها را هم نشان می‌دهد. مؤمن هم باید در کنار نقاط منفی نقاط مثبت را هم مطرح کند.
۳. آئینه عیب را روبرو می‌گوید، مؤمن هم نباید غیبت کند بلکه باید به خود شخص بگوید.

دوست داریم که دوست عیب مرا همچو آئینه روبرو گوید

نه چنان‌شانه با هزار زبان پشت سر رفته مو به مو گوید

۱. آئینه عیب را بزرگ نمی‌کند به همان اندازه که هست نشان می‌دهد. مؤمن هم باید انصاف داشته باشد و عیب برادرش را بزرگ نکند.

---

۱. محجة البیضاء، ج ۵، ص ۲۰۱، فیض کاشانی.



۲. آئینه عیب را بی سر و صدا می گوید. مؤمن هم باید آرام بدون این که داد و فریاد کرده و آبروریزی کند برادرانه عیب برادرش را مطرح کند.

۳. آئینه به خاطر صاف بودنش عیب را می گوید. مؤمن هم باید از روی صفا و صمیمیت نه کینه، انتقاد کند.

برای آئینه همه مردم یکسان هستند، برای او تفاوتی ندارد شهری و روستائی، باسواد و بی سواد، صاحب مقام و ثروت و... مؤمن نباید تحت تأثیر شخصیت افراد قرار گیرد بلکه به خاطر خدا انتقاد کند.

۱. اگر آئینه را بشکنند هر قطعه‌ای از آئینه‌های شکسته کار خودش را می کند، دست بردار نیست. مؤمن هم هر چه تحت فشار قرار گیرد ساکت نمی شود و انتقاد خود را می کند.

۲. اگر روی آئینه گرد و غبار نشیند دیگر عیب را نشان نمی دهد، مؤمن هم اگر خودش آلوده باشد حرفش اثر ندارد.

ما از مقابل آئینه راضی بر می گردیم هیچ وقت از آینه ناراحت و عصبانی نمی شویم. لذت می بریم که عیب ما را گفت و جلو رسوائی ما را گرفت، مؤمن هم وقتی عیب ما را گفت نباید از او رنجیده شویم<sup>۱</sup>.

## موانع مقبولیت روزه

حقیقت روزه، حفاظت از دل و روح و روان از ناخالصی‌ها و دوری

---

۱. نکته‌ها و سرگذشت‌های خواندنی، ص ۸۸.

گزیدن از چیزهائی است که شارع مقدس فرموده است. از این رو در روایات مختلف، روزه داران به پرهیز از اعمال و افکار و اخلاقیات زشت سفارش شده‌اند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

وقتی روزه گرفتید، گوش و چشم و شرمگاه و زبان شما نیز باید روزه باشد، پس چشم را از آنچه حلال نیست واگیرید و نیز گوش را از آنچه گوش دادنش حلال نیست و زبان را از دروغ و ناسزاگوئی حفظ کنید.<sup>۱</sup>

برخی از عوامل خاص به عنوان موانع پذیرفته شدن روزه معرفی شده‌اند که در این بخش هفت نکته را یادآور می‌شویم:

غیبت: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

کسی که زن یا مرد مسلمانی را غیبت کند نماز و روزه او پذیرفته نمی‌شود.<sup>۲</sup>

بدزبانی: ناسزاگویی سبب ابطال روزه می‌شود. روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنید زنی در حال روزه به کنیزش ناسزا می‌گوید، پیامبر غذائی را طلب کرد و آن زن را دعوت به خوردن کرد، او گفت: من روزه‌ام، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

چگونه روزه‌ای که به کنیز خود ناسزا گفتی؟!<sup>۳</sup>

(منظور پیامبر صلی الله علیه و آله از دعوت کردن آن خانم به غذا متنبه کردن او

۱. بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۵۹، علامه مجلسی.

۲. بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۵۹، علامه مجلسی.

۳. همان، ص ۲۵.

به عمل بدش بود.)

نگاه شهوت آلود: امام باقر علیه السلام می فرماید:

دروغ بستن به خدا روزه را باطل می کند و همچنین نگاه دوم به نامحرم (که معمولاً با هدف شهوانی صورت می گیرد) و نیز ستم به دیگران کم باشد یا زیاد.<sup>۱</sup>

نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

روزه داری که به پشت زنی خیره شود تا حجم بدن او از زیر لباس مشخص گردد، روزه خود را افطار کرده است.<sup>۲</sup>

حسادت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

حسد کارهای خوب را نابود می کند همان طور که آتش هیزم را.<sup>۳</sup>

همسر آزاری: پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

زنی که شوهرش را آزار و اذیت می رساند، خداوند نماز و کارهای خوب او را قبول نمی کند هر چند سالیان سال روزه گرفته باشد و نماز شب خوانده باشد بنده هائی را آزاد کرده باشد یا اموالی در راه خدا انفاق کرده باشد مگر این که به او کمک کند و رضایتش را به دست آورده باشد.<sup>۴</sup>

بد خواهی: امام صادق علیه السلام می فرماید:

---

۱. بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۳۵۲، علامه مجلسی.

۲. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۹۰، علامه مجلسی.

۳. میزان الحکمة، محمدی ری شهری.

۴. وسائل الشیعه، باب نکاح حدیث ۸۲ حرعاملی.

خداوند عمل مؤمنی را که به برادر ایمانیش یت بدداشته باشد قبول نمی کند.<sup>۱</sup>

اخلاق بد: امام صادق علیه السلام می فرمایند:

بد اخلاق بودن عمل را فاسد می کند، همان طور که سرکه عسل را نابود می کند.<sup>۲</sup>

### برکت صدقه

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:  
چون صدقه از دست صاحبش خارج شود پیش از آنکه داخل دست سائل گردد به پنج کلمه سخن می گوید:  
اول گوید: کم بودم زیادم کردی.  
دوم گوید: کوچک بودم بزرگم کردی.  
سوم گوید: دشمن بودم دوستم ساختی.  
چهارم گوید: فانی بودم بقایم بخشیدی.  
پنجم گوید: نگهبان من بودی و اکنون من نگهبان تو گشتم.<sup>۳</sup>

### ثواب صدقه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

---

۱. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۴۶، علامه مجلسی.

۲. همان.

۳. تفسیر خسرو شاهی، ج ۱، ص ۳۵۵ - نصاب، پندهای پنجگانه متفرقه، ص ۲۳۹.

از جبرئیل در مورد ثواب صدقه سؤال کردم، گفتند: ای محمد، صدقه (احسان) پنج نوع است: یک به ده، یک به هفتاد، یک به هفتصد، یک به هفتاد هزار و یک به صد هزار، گفتم یک به ده کدام است؟ گفت: صدقه به آدم صحیح و سالم داده شود، یک به هفتاد آن است که به فرد زمین گیر (معلول)، دهند. یک به هفتصد تصدق و احسان به پدر و مادر است، یک به هفتاد هزار صدقه و احسان به مردگان و یک به صد هزار احسان به طالب علم است.<sup>۱</sup>

### آثار فکر کردن

امام علی علیه السلام می فرمایند:

ریشه و بنای سالم ماندن از گناه، فکر کردن (عاقبت و تبعات معصیت) قبل از انجام گناه است.<sup>۲</sup>

تابلونی که در پیش روی شماست، کلیدی از کلمات نورانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام درباره آثار فکر کردن است:

- فکر در نعمتها عامل دوست داشتن است. فکر در گناهان عامل توبه است.
- فکر در دنیا عامل زهد است.
- فکر در حوادث عامل تواضع است.
- فکر در مرگ عامل کنترل هوسها و شهوات است.

---

۱. نصایح، ص ۲۲۱. حدیثهای پنجگانه آیت الله مشکینی.

۲. غررالحکم، ص ۴۱۸، عبدالواحد آمدی.

- فکر در بزرگان عامل رشد است.
- فکر در عواقب عامل مصونیت است.
- فکر در گذشت عمر عامل سعی و تلاش است.
- فکر در الطاف الهی عامل رجا و امید است.
- فکر در قهر الهی عامل خوف است.
- فکر در تاریخ عامل عبرت است.
- فکر در مخلوقات عامل ایمان است.
- فکر در ضعفا عامل توکل است.
- فکر در مفاسد اخلاق عامل تهذیب است.
- فکر در شدائد دیگران عامل استقامت است.
- فکر در خدمات والدین عامل احسان است.
- فکر در پدیده‌های هستی و زیبایی طبیعت عامل معرفت و خشوع است.<sup>۱</sup>

### نکات اخلاقی خانوادگی عارفان

#### آیت الله بهجت رحمته الله علیه

اگر بخواهیم محیط خانه، گرم و با صفا و صمیمی باشد. فقط باید صبر و استقامت و گذشت و چشم پوشی و رأفت را پیشه خود کنیم تا محیط خانه گرم و نورانی باشد.

---

۱. همراه با نماز، ص ۲۴، استاد محسن قرائتی.

### از نصایح آیت الله بهجت رحمته الله علیه

برای تمرکز فکر لا اله الا الله بگوئید.

برای درمان عصبانیت، زیاد صلوات بفرستید.

برای رفع اختلاف زوجین، صدقه به افراد گوناگون بدهید.

برای رفع بلا و شر این دعا نافع است:

اللهم صل علی محمد و آله و امسک عنا السوء؛

خداوندا بر محمد و آل محمد درود بفرست و بدی را از ما باز دارد.<sup>۱</sup>

### آیت الله الهی رحمته الله علیه برادر علامه طباطبائی رحمته الله علیه

همسرایشان می گوید:

ما سی سال با هم زندگی مشترک داشتیم، در این سی سال من

نتوانستم چیزی از ایشان ببینم که مثلاً یک بار بد اخلاقی کند، یا

ایراد بگیرد. خداوند ایشان را چنان خَلق کرده بود که انگار یک

فرشته بود که روی زمین آمده بود.<sup>۲</sup>

### آیت الله شاه آبادی رحمته الله علیه

در احوالات ایشان نقل شده است که:

ایشان با همسرشان خیلی مؤدبانه رفتار می کرد و همیشه با لفظ

---

۱. موعظه خوبان، ص ۲۵۰، سید علی رضا ادیبانی.

۲. اخلاق خانوادگی عارفان، ص ۲، حمزه کریم خانی.

(خانم) ایشان را صدا می‌زدند. رفتارشان با فرزندان به گونه‌ای بود که هیچ تفاوتی بین بچه‌ها نمی‌گذاشتند. و بچه‌هایشان را هرچند کوچک بودند اما کوچک نمی‌شمردند.<sup>۱</sup>

### رعایت حال خانواده

آیت الله میزاجواد آقا تهرانی رحمته‌الله علیه در یکی از شب‌ها، دیروقت به منزل می‌آیند، درب منزل که می‌رسند متوجه می‌شوند کلید منزل همراهشان نیست، به خاطر رعایت حال خانواده‌شان که در خواب هستند از درزدن خودداری کرده و این که هوا هم سرد بوده است اما در کوچه می‌مانند و تا اذان صبح همان جا قدم می‌زنند. هنگام اذان که اهل خانه می‌باید برای نماز صبح بیدار شوند، آقا در می‌زنند و وارد خانه می‌شوند یکی از فرزندان ایشان که از این قضیه خبردار می‌شود سؤال می‌کند که چرا زنگ نزدیدی؟ ایشان می‌گویند: شما خواب بودید، زنگ من موجب اذیت و آزار شما می‌شد.<sup>۲</sup>

شنیدن حاجات ما توسط امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف

آیت الله بهجت رحمته‌الله علیه:

بین دهان تا گوش شما کمتر از یک وجب است، قبل از این که حرف از دهان خودتان به گوش خودتان برسد، به گوش حضرت

۱. همان

۲. اخلاقی خانوادگی عارفان، ص ۴۴، حمزه کریم خانی، - گنجینه عرفان، ص ۱۰۸.



رسیده است. او نزدیک است درد و دل‌ها را می‌شنود. با او حرف بزنید و ارتباط برقرار کنید.

در زمان امام هادی علیه السلام شخصی نامه‌ای نوشت از یکی از شهرهای دور. نامه‌ای نوشت که آقا من دور از شما هستم، گاهی حاجتی دارم، مشکلاتی دارم، به هر حال چه کنم؟ حضرت در جوابشان نوشتند:

إِنْ كَانَتْ لَكَ جَاغَةٌ فَحَرِّكْ شَفَتَيْكَ؛

یعنی لب‌ت را حرکت بده، حرف بزن، ما از شما دور نیستیم.

### علاج ریا، وسواس، غرور و عصبانیت

آیت الله بهجت رحمته الله علیه می‌فرمایند:

برای درمان ریا: بسیار گفتن: لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ.

برای درمان وسواسی: بسیار گفتن: لا اله الا الله.

برای درمان غرور: بسیار گفتن: لا حول و لا قوة الا بالله

برای درمان عصبانیت: بسیار گفتن: اللهم صل على محمد و آل محمد.<sup>۲</sup>

### اثر گفتن «لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ»

در زهرالربع از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

---

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۶، علامه مجلسی. - کتاب سال تبلیغ، آقا میری.

۲. ۳۱۳ گزاره اخلاقی و عرفانی، ص ۲۴۱. - به سوی محبوب، ص ۵۲ و ۵۷.

هرگاه هم و غمت زیاد شد لا حول و لا قوة الا بالله را زیاد بگو.<sup>۱</sup>

و شیخ کلینی از امام صادق علیه السلام روایت کرده:

هرکس بعد از نماز صبح و نماز مغرب هفت مرتبه بگوید:

بسم الله الرحمن الرحيم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم حق  
تعالی هفتاد نوع بلا را از او دفع می کند...<sup>۲</sup>

### اذکار جهت عاقبت به خیر شدن

برای عاقبت به خیر شدن و از شقاوت به سعادت رسیدن نافع است  
خواندن دعای یازدهم صفیحه کامله «یا مَنْ ذَکَرُهُ شَرَفٌ لِّذَکَرِیْنِ...».

مداومت به خواندن تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بعد از هر نماز.

خواندن سوره مؤمنون در هر جمعه.

خواندن هفت مرتبه «بسم الله الرحمن لا حول و لا قوة الا بالله  
العی العظيم» بعد از نماز صبح و نماز مغرب.

خواندن نمازی که وارد شده در یکشنبه ماه ذی القعدة.<sup>۳</sup>

### سری در برآورده شدن حاجات

اگر کسی برای برآورده شدن حاجات دو رکعت نماز بخواند و به

---

۱. گوهر شب چراغ - هزار و یک گزاره، ص ۲۱۸

۲. مفاتیح الجنان، ص ۳۹، تعقیبات نماز صبح.

۳. منازل الاخره، ص ۲۲. شیخ عباس قمی؛ مفاتیح الجنان. اعمال ماه ذی القعدة

عنوان هدیه به روح حضرت زهرا علیها السلام و در قنوت نماز این دعا را بخواند:

اللهم بفاطمة و ابیها، و بفاطمة و بعلمها، و بفاطمة و بنیها، بفاطمة  
والسر المستودع فیها اقض حاجتی و صلی الله علی محمد و آل محمد.

{حاجتش برآورده می شود ان شاء الله} <sup>۱</sup>.

### نکته‌های عرفانی از آیت الله کشمیری رحمته الله علیه

۱. قرائت ذکر یونسیه در سجده و ادامه آن تا یک سال سبب تجرد  
روح از جسم و اتصال به ارواح و باز شدن چشم برزخی می شود.  
{البته با حفظ زبان و رعایت لقمه حلال}.

۲. قرائت «انا فتحنا لک فتحا مبینا» برای رفع حجاب‌ها بسیار خوب  
است.

۳. ادعیه و اذکار مأثوره همه خوب هستند ولی در دعاها از دعای  
یستشیر در صبح و در اذکار ذکر «یا حیُّ یا قیُّوم» بیشتر استفاده  
می کردند.

۴. تلاوت چهارصد مرتبه آیه نور در حرم امام رضا علیه السلام به نیت هدیه  
به امام بسیار مؤثر است.

۵. قرائت یک حمد و یازده مرتبه سوره توحید و هدیه آن به ارواح  
مؤمنین بسیار مؤثر است.

۶. در زمان هجوم مشکلات، قرائت سوره یا ذکری به نیت هدیه به

امام جواد علیه السلام مؤثر است.

۷. برای حدیث نفس ذکر تهلیل لا اله الا الله بسیار مؤثر است.

۹. قرائت بیست و یک مرتبه آیه الکرسی در روز برای تقویت

حافظه بسیار مؤثر است.<sup>۱</sup>

### دفع شدائد و سختی‌ها

امام رضا علیه السلام از امام موسی کاظم علیه السلام نقل کرده است که:

هر وقت در سختی افتادید ذکر «یا رثوف - یا رحیم» را زیاد بگویید.<sup>۲</sup>

### دفع غم و اندوه

برای دفع غم و اندوه این آیه را بخوانید و بر آن مداومت داشته باشید:

لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین.

این آیه در بین عرفا به آیه السجدة معروف است.<sup>۳</sup>

### حفظ نورانیت چشم

اگر کسی دو دست خود را بر چشم خود بگذارد و بگوید:

یا بصیرا بلا حدقه احفظ حدقتی بحدقتی علی بن ابی طالب علیه السلام.

---

۱. جمال آفتاب، ص ۲۰۲ - برپای منبر، ج ۲، ص ۲۴۷، شیخ جواد باقری بنایی.

۲. هزار و یک گزاره، ص ۳۳۱.

۳. هزار و یک گزاره، ص ۳۷۴ - کشکول شیخ بهائی، ص ۲۳۹.

در جای دیگر نقل شده است که اگر بگوید:

اللهم احفظ حدقتی بحق حدقتی علی بن ابی طالب علیه السلام

چشم او شفا می یابد.<sup>۱</sup>

هدیه نماز به روح پدر و مادر

مرحوم طبرسی رحمته الله علیه در کتاب مکارم الاخلاق نمازی دو رکعتی را ذکر می کند که توصیه شده است که فرزندان برای والدین خود بخوانند:

در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه بگویند:

ربنا اغفر لی و لوالدی و للمؤمنین یوم یقوم الحساب.<sup>۲</sup>

در رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه بگویند:

رَبِّ اغْفِرْ لِي و لِوَالِدَيَّ و لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا و لِلْمُؤْمِنِينَ و  
الْمُؤْمِنَاتِ.<sup>۳</sup>

و بعد از سلام ده مرتبه:

رَبِّ اِرْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا.<sup>۴</sup>

توسل به امام جواد علیه السلام

گفته شده است که در زمان هجوم گرفتاری و مشکلات، قرائت

---

۱. هزار و یک گزاره، ص ۱۱۳- فریادگرتوحید، ص ۱۶۱.

۲. سوره ابراهیم / ۴۱.

۳. سوره نوح / ۲۸.

۴. سوره اسرا / ۲۴.

سوره‌ای یا ذکرى به تیت هدیه به امام جواد علیه السلام بسیار مؤثر و مجرب است.<sup>۱</sup>

## کیمیا

نقل شده است:

یک بار از عارف کبیر مرحوم آیت الله سید میرزا علی قاضی طباطبائی علیه السلام در خواست کیمیا و راهنمائی و رسیدن به آن را می‌کنند، ایشان می‌فرمایند: این ذکر را بسیار بگو:

اللهم اغنني بحلالك عن حرامك و بفضلک عن سواک.<sup>۲</sup>

ترجمه: خدایا مرا با حلالت از حرامت و از فضلت از غیر خودت غنی کن.

## بهتر از کیمیا

تعقیبات نماز از حاج شیخ حسن نخودکی اصفهانی علیه السلام

از آیت الله موسی شیرازی زنجانی نقل شده است که فرمودند:

درسفری که امام خمینی علیه السلام و پدرم برای زیارت به مشهد مقدس رفته بودند امام در صحن امام رضا علیه السلام با سالک الی الله حاج شیخ حسنعلی نخودکی علیه السلام مواجه می‌شوند. امام امت که در آن زمان

۱. هزار و یک گزاره، ص ۱۹۷ - کشکول شیخ بهائی، ص ۲۳۹.

۲. هزار و یک گزاره، ص ۱۹۹. تحفة الرضویة، ص ۱۹۳.

شاید در حدود سی الی چهل سال بیشتر نداشت وقت را غنیمت می‌شمارد و به ایشان می‌گوید با شما سخنی دارم. حاج شیخ حسنعلی نخودکی می‌گوید: من در حال انجام اعمال هستم، شما در بقعه حرّ عاملی علیه السلام بمانید من خودم پیش شما می‌آیم. بعد از مدتی حاج حسنعلی نخودکی می‌آید و می‌گوید چکار دارید؟ امام خطاب به ایشان رو به گنبد و بارگاه امام رضا کرده و گفتند: تو را به این امام رضا علیه السلام اگر علم کیمیا داری به ما هم بده؟

آیت الله نخودکی انکار به داشتن علم کیمیا نکرد بلکه به امام فرمودند: اگر ما کیمیا به شما بدهیم و شما آن را در کوه و در دشت استفاده کنید می‌توانید آن را حفظ کنید و در هر جایی به کار نبرید؟ امام خمینی که از همان ایام جوانی صداقت او از وجودشان می‌بارید سر به زیر انداخت و با تفکری به ایشان گفتند نه نمی‌توانم چنین قولی بدهم. آیت الله نخودکی که این را از امام شنید رو به ایشان کرد و فرمود: حالا که نمی‌توانید کیمیا را حفظ کنید من بهتر از کیمیا رابه شما یاد می‌دهم و آن این که: بعد از نمازهای واجب یک مرتبه آیه الکرسی را تا هو العلی العظیم می‌خوانی. و بعدتسبیحات فاطمه الزهرا علیها السلام را می‌گوئی. و بعد سه مرتبه سوره توحید را می‌خوانی. و بعد سه مرتبه صلوات می‌گوئی:

اللهم صل علی محمد و آل محمد و بعدسه بارآیه ۲ و ۳ سوره طلاق را می‌خوانی:

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا. وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ

علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شیء قدرًا؛  
 هرکس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم  
 می کند و او را از جائی که گمان ندارد روزی می دهد، و هر کس  
 به خداوند توکل کند کفایت امرش را می کند، خداوند فرمان خود  
 را به انجام می رساند و خدا برای هر چیز اندازه ای قرار داده است.<sup>۱</sup>  
 اگر این تعقیبات را بخوانی از کیمیا برایت بهتر است.<sup>۲</sup>

### چرا بهتر از کیمیا

در مورد فضائل آیه الکرسی، تسییحات حضرت زهراء علیها السلام، صلوات،  
 قرائت سوره قل هو الله و آیه ۲ و ۳ سوره طلاق، در باره دقت، تدبّر  
 عمل و انس گرفتن با آنها نکات بسیار ارزشمندی را ائمه اطهار علیهم السلام  
 بیان فرمودند که اینها اکسیر اعظم هستند که به عنوان نمونه به یکی  
 دو مورد از آنها اشاره می کنیم:

### آیه الکرسی کلید بهشت

از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمودند:

از رسول خدا صلی الله علیه و آله بر بالای منبر شنیدم که فرمود: کسی که در  
 تعقیب نمازهای واجب آیه الکرسی را قرائت کند هیچ چیز مانع از

۱. سوره طلاق / ۲ و ۳.

۲. قصه‌های ماندگار از خوبان روزگار، ص ۶۶، علی رشیدی؛ زمزم عرفان، ص ۳۶۴ مجله بشارت،  
 شماره ۵۸.



ورود او به بهشت نخواهد شد و تنها عابدان و صدیقان بر آن مواظبت می کنند.<sup>۱</sup>

### آیه الكرسي آیه مشکل گشا

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

برگزیده قرآن سوره بقره و برگزیده بقره آیه الكرسي و در آن پنجاه کلمه است و در هر کلمه پنجاه برکت است. هر کس آیه الكرسي را در وقت شبانگه بخواند حق تعالی او را از جمیع آفتها و بلاها نگاه می دارد و اگر وقت بامداد بخواند او را از همه آفتها و بدیها نگاه می دارد.<sup>۲</sup>

فضیلت تسبیحات حضرت زهراء ﷺ:

امام صادق ﷺ می فرماید:

تسبیح حضرت زهراء ﷺ پس از هر فریضه، از هزار رکعت (نماز مستحبی) در هر روز محبوب تر است. (الله اکبر ۳۴ مرتبه، الحمد لله ۳۳ مرتبه، سبحان الله ۳۳ مرتبه).<sup>۳</sup>

### فضیلت قرائت سوره قل هو الله احد (توحید)

امام صادق ﷺ می فرماید:

---

۱. تفسیر فخر رازی، ج ۷، ص ۱۲.  
۲. تفسیر منهج الصادقین، ص ۹۴، فتح الله کاشانی.  
۳. بحار الانوار، ج ۸۳، علامه مجلسی ﷺ.

هرکس بعد از نمازهای واجب سوره توحید را بخواند خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او فراهم آورد، او و پدر و مادرش و فرزندانش را بیامرزد.<sup>۱</sup>

### صلوات کلید حل مشکلات

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

صلوات فرستادن شما بر من روا شدن حاجت شماست و خداوند را از شما راضی می گرداند و اعمال شما را پاک و پاکیزه می کند. صلوات شفیع انسان و نوری در پل صراط است.<sup>۲</sup>

### فضیلت آیه ۲ و ۳ سوره طلاق

پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند:

ای اباذر اگر جماعت به این آیه عمل کنند هم در دنیا و هم در آخرت بر آنها کفایت می کند.

پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند:

من آیه ای را می شناسم که اگر تمام انسان ها دست به دامن آن زنند برای حل مشکلات آنها کافی است. پس آیه و مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ رَأَتْهُ مِنْ أُمَّةٍ لَآتِيهِ رِزْقًا غَيْرَ مَحْزُونٍ فرمود و بارها آن را تکرار کرد.<sup>۳</sup>

---

۱. ثواب الاعمال، ص ۲۸۷، شیخ صدوق رحمته الله.

۲. ثواب الاعمال، ص ۱۳۰؛ بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۵۷.

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۴۸، آیت الله مکارم شیرازی.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

شب معراج از پیشگاه خداوند سؤال کردم، پروردگارا! چه عملی از همه اعمال برتر است. خداوند متعال فرمود: چیزی در نزد من افضل و برتر از توکل بر من، و خوشنودی به آنچه قسمت کرده‌ام نیست. لازم به ذکر است همه این فضائل زمانی است که توام با اعتقاد و عمل به قرآن باشد.<sup>۱</sup>

شاه کلید همه قفل‌ها

نقل است:

جووانی نزد شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی رحمته الله علیه آمد و گفت: سه قفل در زندگی ام وجود دارد و سه کلید از شما می‌خواهم! قفل اول این است که دوست دارم یک ازدواج سالم داشته باشم، قفل دوم این که دوست دارم کارم برکت داشته باشد و قفل سوم این که دوست دارم عاقبت بخیر شوم.

شیخ نخودکی اصفهانی فرمودند: برای قفل اول، نمازت را اول وقت بخوان. برای قفل دوم نمازت را اول وقت بخوان و برای قفل سوم هم نمازت را اول وقت بخوان! جوان عرض کرد: سه قفل با یک کلید؟ شیخ نخودکی فرمودند: نماز اول وقت شاه کلید است.<sup>۲</sup>

---

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۵۱، آیت الله مکارم شیرازی.

۲. موعظه خوبان، ص ۲۲۰.

## خیانت و تقلب

رسول اکرم ﷺ فرموده است:

کسی که با مسلمانی در خرید یا فروش خیانت نماید و تقلب کند از ما نیست و در قیامت با یهودیان محشور می‌گردد زیرا یهودیان نسبت به مسلمانان خائن‌ترین خلق‌اند.<sup>۱</sup>

## تجسس شیطان بر حضرت موسی علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام در طور سینا بعد از مناجات با خدا شیطان را دید و فرمود:

در همچون جایی مقدس باز هم در من امید (طمع) داری؟ شیطان گفت: پدر شما آدم، در بهشت که بود در همان جا به او طمع کردم که اغوا کنم. جایی که شیطان طمع دارد پیامبر اولوالعزمی را فریب دهد بسیار هوشیار باشیم که ما را فریب ندهد.<sup>۲</sup>

## هجوم شیطان در وقت احتضار

امام صادق علیه السلام فرمودند:

ملک الموت در پنج وقت نماز به مردم سرکشی می‌کند، آنهایی که نمازهای خود را در وقت خواندند و مواظب نماز خود بودند، خود ملک الموت در وقت احتضار، کلمه شهادتین

---

۱. گزاره اخلاقی، ص ۱۲۶، سعید هاشمی.

۲. شرح نهج البلاغه شوستری، ص ۴۵ - پندهای جاویدان، ص ۱۲۹ - ریاض الحکایات، ص ۱۶.

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ

را به آنها تلقین می کند و شیطان را از او دور می کند.<sup>۱</sup>

### راهنمایی برای سرکوبی شیطان

مردی بادیه نشین به حضور پیامبر ﷺ شرفیاب شد و عرض کرد: مرا به اموری که موجب بهره مندی از بهشت می شود راهنمایی کن.

پیامبر اکرم ﷺ پنج دستور اخلاقی زیر را به او آموخت و فرمودند:

- ۱- گرسنه را سیر کن. ۲- تشنه را سیراب کن. ۳- امر به معروف
- کن. ۴- نهی از منکر کن. ۵- اگر توانائی بر این کارها را نداری،
- زیانت را کنترل کن که جز خیر و نیکی حرکت نکند در این
- صورت شیطان را سرکوب کرده ای و بر او پیروز خواهی شد.<sup>۲</sup>

### ویژگی های آمرین بمعروف از زبان رسول اکرم ﷺ

کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند باید دارای این شرایط باشد تا کلامش مؤثر واقع شود:

- حلال و حرام را بداند.

- ناصح خلق باشد.

۱. شیطان ستیزی، ص ۹۱- و سائل الشیعه، ج ۲، ص ۶۶۳-جامع الاحادیث الشیعه، ج ۴، ص ۶۱  
۲. داستان دوستان، ج ۲، ۲۵۱، محمدی اشتهاردی...- تحف العقول، ص ۵۵.

- رحیم باشد.
- رفیق باشد.
- دعوت با لطف و محبت باشد.
- آنچه بر ایشان برسد صبور باشد.
- انتقام نگیرد.
- شکوه و گلایه نکند.
- انگیزه الهی داشته باشد.<sup>۱</sup>

### آخرین لحظات مُحَبِّ اهل بیت علیهم السلام

امام صادق علیه السلام فرمودند:

به خدا سوگند! هنگامی که فرشته مرگ برای قبض روح مؤمن می‌آید اظهار ناراحتی می‌کند، فرشته مرگ می‌گوید: ای دوست خدا ناراحت نباش. سوگند به کسی که محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث کرد من بر تو مهربان تر از پدر مهربان هستم، چشمانت را باز کن و بین، او نگاه می‌کند، رسول الله، امیرالمؤمنین، فاطمه زهرا علیها السلام، امام حسن و امام حسین علیهم السلام و دیگر امامان از ذریه آنان را می‌بیند، فرشته به او می‌گوید: نگاه کن این رسول خدا، امیر المومنین، فاطمه زهرا علیها السلام، امام حسن و امام حسین و دیگر امامان، دوستان تو هستند،

---

۱. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۸۳، علامه مجلسی.

گوینده‌ای از سوی پروردگار بزرگ ندا می‌دهد و می‌گوید: یاایتها  
النفس المطمئنة...

ای کسی که به محمد و خاندانش اطمینان داری، باز گرد به سوی  
پروردگارت در حالی که تو به ولایت آنها راضی هستی، و او با  
ثوابش از تو خوشنود است، داخل شو در بهشت و در میان بندگان  
من یعنی محمد و آل محمد علیهم‌السلام. و در این هنگام چیزی برای انسان  
محبوبتر از آن نیست که هر چه زودتر روحش از تن جدا شود و به  
این منادی پیوندد.<sup>۱</sup>

## دیدنی‌های هنگام مرگ

امیر المؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید:

برای هر خانه‌ای دری هست، در خانه آخرت مرگ است.

لِكُلِّ دَارٍ بَابٌ وَ بَابُ دَارِ الْآخِرَةِ الْمَوْتُ.

از احادیث استفاده می‌شود هنگام مرگ اموری برای ما روشن و  
آشکار می‌گردد از جمله:

۱. دیدن ملک الموت و ملائکه دیگر.
۲. مشاهده پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام.
۳. دیدن جایگاه خود در بهشت یا دوزخ.
۴. تجسس اعمال و توجه به پرونده عمر گذشته.

۱. آمال الواعظین، ج ۲، ص ۴۲۳، سید ابراهیم حسینی. - فروغ کافی، ج ۳، ص ۱۲۷.

۵. تجسّم اموالی که جمع کرده.

۶. تجسّم اولاد و خویشاوندان و دوستان.

تجسّم شیطان.<sup>۱</sup>

### شدت گرفتاری در قیامت

امام صادق علیه السلام می فرماید:

هرگاه کسی گنجشکی را بدون احتیاج از برای بازی بکشد در قیامت آن گنجشک در کنار عرش حق می ایستد و می گوید: خداوندا سؤال کن از فلان بنده خود که چرا بدون استفاده و منفعت مرا کشت و بدور افکند.<sup>۲</sup>

### گناهان و عقوبت‌های آنها

امام صادق علیه السلام در باره گناهان مختلف و عقوبت‌های آنها

می فرماید:

- گناهی که نعمت‌ها را می برد تجاوز از حدود است.
- گناهی که پشیمانی را به دنبال دارد قتل است.
- گناهی که عقوبت‌ها را نازل می کند ستم است.
- گناهی که پرده را می درد شرب خمر است.
- گناهی که رزق را حبس می کند زنا است.
- گناهی که مرگ را نزدیک می کند قطع رحم است.

---

۱. کلیات تاریخ ۱۴ معصوم علیهم السلام، ص ۹۵۲ و ۹۵۳، احمد امیری پور.

۲. اسرار معراج، ص ۱۷۸، علی قرنی گلپایگانی.



گناهی که دعا را رد و مردود و هوا را تیره می کند ناسپاسی در حق پدر و مادر است.<sup>۱</sup>

امام رضا علیه السلام می فرمایند:

برّ الوالدین واجبٌ و ان كانا مشرکین<sup>۲</sup>

نیکی کردن به پدر و مادر واجب است اگر چه آنان مشرک باشند.

### مجازات غیبت در قیامت

سعید بن جبیر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که:

آن حضرت فرمودند:

شخصی را در روز قیامت برای حساب می آورند وقتی نامه عملش را مشاهده می کند هیچ کار خوبی در آن نمی بیند، می گوید پروردگارا این نامه عمل من نیست زیرا بندگی و فرمانبرداری کرده ام در این نامه نیست، خطاب می شود پروردگار اشتباه و نسیان ندارد اعمال تو بواسطه غیبت نابود شده است. دیگری را می آورند نامه عمل خود را مشاهده می کند بندگی و طاعات زیادی می بیند عرض می کند خدایا این نامه عمل من نیست من این قدر کار خوب انجام نداده ام، خطاب می رسد چون فلانی غیبت تو را کرد حسنات او را به تو دادیم.<sup>۳</sup>

---

۱. هزار و یک گزاره ص ۳۷۷ به نقل از رساله نور علی نور ص ۱۶۵.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۴.

۳. پند تاریخ، ص ۱۷۰، موسی خسروی. - بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۷۹.

## مکافات غیبت

آیت الله بهاء الدینی رحمته الله علیه در باره آثار و تبعات غیبت نکته‌ی جالبی را بیان می‌کند و می‌فرماید:

روز قیامت نیکی‌هایمان را به محبوب‌ترین فرد زندگیمان نخواهیم داد! اما مجبور می‌شویم به کسی نیکی‌هایمان را بدهیم که از او متنفر بودیم و غیبتش را کردیم! گناه خصوصاً حق الناس، اوج حماقت است نه زرنگی!

## علم چهار کلمه است

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام در باره علم پرسیدند، حضرت فرمودند:

علم چهار کلمه است: خدا را به اندازه نیازت عبادت کن، به اندازه صبرت بر آتش، گناه کن، و برای دنیایت آن قدر کار کن که عمر می‌کنی و برای آخرت آن قدر کار کن که قرار است آنجا بمانی.<sup>۱</sup>

امام علی در احادیث دیگر برای علم تقسیمات دیگری نیز بیان کرده است.

## چهار گوهر را چهار چیز ضایع می‌کند

قال رسول الله ﷺ: أَرْبَعَةٌ جَوَاهِرٌ تَزِيلُهَا أَرْبَعَةٌ: أَمَّا الْجَوَاهِرُ: فَالْعَقْلُ وَالدِّينُ وَالحَيَاءُ وَالعَمَلُ الصَّالِحُ؛ أَمَّا الغَضَبُ فَيَزِيلُ العَقْلَ وَ

أَمَّا الْحَسَدُ فَيَزِيلُ الدِّينَ وَأَمَّا الطَّمَعُ فَيَزِيلُ الْحَيَاءَ وَأَمَّا الْغَيْبَةُ فَيَزِيلُ الْعَمَلَ الصَّالِحَ؛

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: چهارگوهر را چهار صفت از بین می‌برد: اما جواهر عبارتند از: عقل، دین، حیا و عمل صالح؛ اما خشم عقل را از بین می‌برد، حسد دین را از بین می‌برد، طمع حیا را از بین می‌برد و غیبت عمل صالح را از بین می‌برد.<sup>۱</sup>

ملائکه می‌خندند و می‌گریند

رسول خدا ﷺ از جبرئیل پرسیدند:

آیا ملائکه هم همانند انسان‌ها می‌خندند و گریه می‌کنند.

جبرئیل عرض کرد:

بلی! در سه مورد از روی تعجب می‌خندند: از حالات کسانی که روز خود را با لهو و لعب و خوشگذرانی تلف می‌کنند و بعد از نماز عشاء باز هم سرگرم عیش و نوش هستند، پس به آن‌ها خطاب می‌کنند: ای انسان غافل! تو که در طول روز اشباع نشدی آیا در این یک ساعت اشباع خواهی شد؟

وقتی کشاورزی را می‌بینی که بیل به دست گرفته و در تکاپوست تا هر کاری که از دستش بر می‌آید برای توسعه‌ی ملکش انجام دهد اگرچه به اندازه چند سانتی متر از مساحت زمین هم‌جوار. خطاب

۱. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۴۲ - نفایس و لطایف، ص ۲۸، علی رشیدی.

به می گویند: ملکی با این وسعت تو را اشباع نکرد که حالا با این مقدار کم می خواهی خود از اقناع کنی؟

و دیگر وقتی زن بی حجابی می میرد. او را در قبر می گذارند و هنوز دفن نکرده اند و تلقین می دهند که پارچه یا پتوئی روی او می کشند تا شاکله‌ی وجود او را از نامحرمان بپوشاند، در این هنگام ملائکه می خندند و می گویند: آن زمان که وجودش برانگیزنده بود، عفت نمی ورزید و اکنون که پیکرش نفرت انگیز است او را می پوشانند!

ملائکه در مواردی هم می گریند: اول برای طلبه‌ی غریب و عالم غریب که برای تحصیل علم به مسافت‌های دور رفته و در آنجا بمیرد.

دوم برای پدر و مادر مسنّ و نسبتاً معمری که از خداوند متعال برای خود پسری مسئلت می کنند که مایه روشنی چشم و عصای دست و پشتوانه آنان در سنین پیری گردد و پروردگار متعال به آنها عطا می کند، ولی او را از روی مصلحت از آنها پس می گیرد.

و سوم برای یتیمی که از یاد برده که مادرش فوت کرده، به هوای مادر از خواب می پرد و مدام مادرش را صدا می زند، اما بانهییب دایه‌اش مواجه می شود که مرگ مادر را به او یادآور شود.<sup>۱</sup>

۱. مواظظ العددیه، ص ۱۴۴. آیت الله مشکینی.

## بوی بهشت

یکی از روایات که در مورد خصوصیات حورالعین وارد شده است، راجع به بوی ذاتی خود اوست که بوی گل یاس می‌دهد. بوی حوری از پانصد سال راه به مشام می‌رسد، وقتی مؤمن سر از قبر بیرون می‌آورد این بو به مشامش می‌رسد. روایتی است از شیعه و سنی که منقول است از رسول خدا ﷺ که فرمود:

بوی انبیاء بوی به است. و بوی حوریان بهشتی بوی گل یاس است و بوی ملائکه بوی گل سرخ است. واقعاً ساعت مرگ چه لذتی دارد و بوی ملائکه آن وقتی که بشر احتیاج به لذت دارد، ملائکه که می‌آیند بوی گل سرخ آنها شوق و فرحی برای مؤمن دارد.

و فرمود:

اما دخترم زهرا ﷺ بوی هر سه را می‌دهد، هم بوی بدن انبیا و هم بوی حور و هم بوی ملائکه.

رسول خدا ﷺ بی اندازه زهرا را می‌بوئید تا جائی که عایشه حسادت می‌کرد و به پیغمبر اعتراض کرد. رسول اکرم ﷺ فرمودند: از بدن زهرا بوی بهشت به مشام می‌رسد.<sup>۱</sup>

فراز هائی از وصیت نامه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله علیه

.... سفارش می‌کنم:

۱. هزار و یک گزاره، ص ۴۸۵، سعید هاشمی.

این که لباس سیاهی که در ماههای محرم و صفر می پوشیدم جهت  
حزن و اندوه در مصیبت های آل رسول اکرم ﷺ با من دفن شود ...

و سفارش می کنم:

تسبیحی از تربت امام حسین علیه السلام که با آن سحرها به عدد آن استغفار  
کردم با من دفن شود....

و سفارش می کنم:

دستمالی را که اشک های زیادی در رثای جدم حسین مظلوم و  
اهل بیت مکرم او ریخته و صورت خود را با آن پاک می کردم بر  
روی سینه در کفنم بگذارند...

و سفارش می کنم:

جنازه ی مرا روبروی مرقد مطهر بی بی فاطمه معصومه علیها السلام قرارداد  
و در این حال یک سر عمامه ام را به ضریح مطهر و سر دیگر را به  
تابوت بسته به عنوان دخیل و در این هنگام مصیبت وداع مولای من  
حسین مظلوم علیه السلام با اهل بیت طاهرینش را بخوانند...

و سفارش می کنم:

جنازه ی مرا در حسینیه ای که تأسیس کرده ام برای عزای جدم،  
قرار داده، و همین عمل بستن عمامه را تکرار کنند، بدین ترتیب که  
یک سر آن را به منبرسید الشهدا علیه السلام و سر دیگر را به تابوتم بسته و  
همانگونه مصیبت وداع را بخوانند.

همچنین هنگامی که جسد مرا در قبری که در کتابخانه ی عمومی

خود در شهر قم تأسیس کرده‌ام، می‌گذارند مصیبت وداع امام حسین علیه السلام را بخوانند.<sup>۱</sup>

### آثار و برکات سوگواری برای امام حسین علیه السلام

آیت الله حاج شیخ جعفر شوشتری رحمته الله علیه در کتاب گران سنگ (خصائص الحسينیه) استناد به روایت معصومین علیهم السلام هشت فضیلت برای سوگواری امام حسین علیه السلام بیان کرده‌اند که چکیده و خلاصه آن به شرح ذیل می‌باشد:

جلسه عزاداری احیای مکتب اسلام است که امام صادق علیه السلام فرمودند:

... من جلس مجلسا یحیی فیه امرنا، لم یمت قلبه یوم تموت القلوب.<sup>۲</sup>

ترجمه: هرکسی در محفلی که اندیشه و عقیده و اهداف بلند ما احیا می‌گردد، روزی که قلب‌ها می‌میرند قلب او زنده خواهد ماند.

شرکت در مجالس سوگواری و نفس کشیدن در جلسه عزاداری تسبیح است.

جلسه عزاداری افضل مجالس است. و این مجالس مورد نظر و علاقه ائمه علیهم السلام است و امام صادق علیه السلام فرمودند:

من مجالس بیان فضائل امام حسین علیه السلام را دوست می‌دارم همانگونه

---

۱. گلبرگ‌های حسینی، ص ۲۵۵، محمد مطهر.

۲. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۷۸، علامه مجلسی.

که پیامبر خدا دوست می‌داشت.<sup>۱</sup>

این مجالس، محل حضور و محفل انس و جایگاه مورد علاقه فرشتگان مقرب است. (اشک چشم‌ها نوعی معراج است).

جلسه عزاداری مانند بارگاه (قبه) امام حسین علیه السلام است. و در تأثیر اجابت دعا، بسان حرم و آستانه مقدس حسین علیه السلام است.

محافل بیان فضائل اهل بیت علیهم السلام و محافل عزاداری مورد عنایت خود امام حسین علیه السلام است.

این محافل پرشور و حماسه، معراج شیفتگان حق و عدالت است. و موجب نزول محبت خاص به منظور آمرزش و مغفرت گناهان و پذیرش توبه و بالا بردن درجات است.

آن حضرت در مورد این محافل فرموده است که:

مجلسی مقدس تر و افتخار آفرین تر و بلند مرتبه تر و گرامی تر از این مجلس نیست از این رو خوشا به محفلی که با این محفل پیوند بخورد و یا جزو اینها گردد و یا در شمار اینها در آید.<sup>۲</sup>

### سرمایه عمر

فخر رازی یکی از علمای معروف اهل تسنن می‌گوید: یکی از بزرگان و وارستگان را دیدم که می‌گفت:

شخصی را دیدم یخ می‌فروخت و مکرر فریاد می‌زد:

---

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲ و ۳۵۱، علامه مجلسی.

۲. ترجمه: خصایص الحسینیه، ص ۴۰۲-۴۰۵ با تلخیص توسط مؤلف



إِرحموا مَنْ يذوبُ رَأْسَ مَالِهِ؛

به کسی که سرمایه‌اش ذوب می‌شود رحم کنید. پیش خود گفتم این معنی سخن خداوند در سوره عصر است که می‌فرماید:

والعصر انَّ الإنسانَ لَفیْ خُسْرٍ؛

سوگند به عصر که انسان در کاست و زیان است آری انسانی که از عمرش، روز به روز می‌کاهد و در برابر آن، کسب فضایل نمی‌نماید. مانند یخی آب می‌شود و هیچ می‌گردد.<sup>۱</sup>

آیت الله بهجت رحمته الله علیه:

ما آمده‌ایم زندگی کنیم تا قیمت پیدا کنیم نه به هر قیمتی زندگی کنیم.

زندگی ما حکایت یخ فروشی است که از او پرسیدند: فروختی؟ گفت: نه، ولی تمام شد.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

هیچ پیش آمدی نزدیکتر از مرگ نیست.

و باز آیت الله بهجت رحمته الله علیه می‌فرماید:

وداع از این دنیا برای ما بسیار نزدیکتر است ولی، آن را دور می‌بینیم و گرنه این قدر با هم نزاع نداشتیم.

---

۱. تفسیر کبیر فخر رازی، فخر رازی، ج ۳۲، -داستان دوستان، ج ۱، ص ۵۷.

۲. موعظه خوبان، ص ۲۱۵، سید علی رضا ادیبانی.

### استفاده بهینه از سرمایه عمر

وقتی به دنیا می‌آییم درگوشمان اذان می‌گویند و وقتی می‌میریم برای ما نماز می‌خوانند، براستی زندگی چقدر کوتاه است، فاصله بین اذان و نماز.<sup>۱</sup> امیرالمؤمنین علی علیه السلام چه زیبا تشبیه می‌کنند عمر دنیا را به آخرت و می‌فرمایند:

عمر دنیا در برابر آخرت مانند این است که یکی از شما انگشت خود را در دریایی فرو کند و سپس بیرون آورد و در این حال نگاه کند ببیند چه اندازه از آب دریا بر انگشت او باقی مانده است.<sup>۲</sup>

پس از عمرمان درست و بهینه استفاده کنیم. نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

همانا برای خدای تعالی فرشته‌ای است که هر شب فرود می‌آید، سپس صدا می‌زند و می‌گوید:

ای بیست ساله‌ها سعی و کوشش کنید.

ای سی ساله‌ها زندگانی دنیا شما را نفریید.

ای چهل ساله چه چیزی برای روز ملاقات پروردگار مَهیا کرده‌اید؟!

ای پنجاه سالگان پیری در رسید.

ای شصت ساله‌ها شما مانند زراعت و کشتی هستید که فصل دروش نزدیک شده است.

---

۱. نفایس و لطائف، ص ۶۱، علی رشیدی.

۲. پیام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱۲، ص ۴۴۸-بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۱۱۹.

ای هفتاد ساله‌ها شما را صدا می‌زنند، جواب دهید.  
ای هشتاد ساله‌ها ساعت آخر عمر فرارسیده و حال آنکه شما بی  
خبرید...<sup>۱</sup>

## گوهر زمان

وقت و زمان آنقدر ارزش دارد و مهم است که خداوند به همه  
زمان‌ها قسم یاد کرده است:

والصبح، واللیل، والعصر، والضُّحی و...

قیامت هفتاد اسم دارد که یکی از اسامی آن (یوم الحسره) است؛  
یعنی روزی که انسان حسرت می‌خورد که عمرش تلف گردیده  
است.

هر نفس زانفاس عمرت گوهریست

آن نفس سوی خدایت رهبریست

این نفس که می‌رود و می‌آید، چه گوهری است، چه ارزشهایی  
دارد انسان بعد از مرگ در عالم برزخ می‌فهمد که از نفس  
کشیدن‌های روی خاک در عالم دنیا چه بهره‌ها می‌توانست ببرد.<sup>۲</sup>

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

أَشَدُّ الْفُضْصِ فَوْتُ الْفُرْصِ؛<sup>۳</sup>

---

۱. مستدرک، ج ۲، ص ۳۵۲، میرزا حسین نوری - ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۳۲.

۲. آدابی از قرآن (تفسیر سوره حجرات) ص ۹، شهید دستغیب رحمته الله علیه.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۴۲ - غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۷۳.

شدیدترین غصه‌ها مربوط به از دست دادن فرصت‌ها است.

## چهار چیز خُزن آوراست

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

هر که به چهار چیز خرسند شوند در چهار موقع محزون و غمگین می‌گردد.

هر که به عمر طولانی خرسند شود، هنگام مردن اندوهگین شود.

هر که به وسعت خانه دلخوش شود در تنگی قبر غمگین باشد.

هر که به گناه خوشحال شود، در وقت کیفر غصه دار باشد.

و هر که به خوردن حرام دلخوش باشد هنگام حساب محزون شود.<sup>۱</sup>

## شناختن سه گروه در سه جا

از گفتار عمیق است که سه گروه را نمی‌توان شناخت مگر در سه جای: حلیم را در وقت خشم، شجاع را در وقت جنگ، دوست را در زمان حاجت.<sup>۲</sup>

## خوف و رجا

لقمان حکیم به فرزندش گفت:

ای پسر از خدا بترس ترسیدنی که اگر با عمل تمامی جنّ و انس به

---

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۴۲-غزراالحکم و دررالکلم، ص ۴۷۳.

۲. پندهای جاویدان، ص ۴۹۴، استاد محمدی اشتهاردی.

قیامت بیائی، بترس که تو را عذاب نماید. و امیدوار باش از خداوند  
امیدی که اگر به محشر در آئی با گناه انس و جن امید داشته باشی  
که خدا بیامرزد تو را.<sup>۱</sup>

### از نصایح ارزشمند لقمان حکیم

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند:

ای هشام همانا لقمان به پسرش گفت: برای حق، فروتنی کن  
تا خردمند ترین مردم باشی، ای فرزند عزیزم به راستی دنیا دریائی  
است که مردمی بسیار در آن غرق می شوند پس می بایست کشتی  
تو پرهیزکاری باشد، و بارش از ایمان و بادبانش توکل و ناخدایش  
خرد، و راهنمایش دانش و لنگرش شکیبائی باشد.<sup>۲</sup>

### مردم چهار دسته اند

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مردم چهار دسته اند سخی، کریم، بخیل و لئیم.  
سخی کسی است که خود می خورد و به دیگری نیز می بخشد.  
کریم کسی است که خود نمی خورد و به دیگری می بخشد.  
بخیل کسی است که خود می خورد و به دیگری نمی دهد.

---

۱. ارشادالقلوب، دیلمی، ج ۲، ۵۰.

۲. تحف العقول، ص ۷۰۲، حرّانی.

لئیم کسی است که نه خود می خورد و نه به دیگری می دهد.<sup>۱</sup>  
از حکیمی سؤال کردند که سخت ترین مصائب چیست؟ گفت:  
احتیاج کریم به لئیم.<sup>۲</sup>

### هشت نکته از چهارصد هزار نکته

روزی لقمان به پسرش گفت:

ای فرزندم من در زندگی چهارصد هزار نکته آموختم و از آن،  
هشتصد نکته را انتخاب کردم و از آن، هشت نکته به نظرم افضل و  
اهمّ از بقیه بود که آنها عبارتند از:

دو چیز را هرگز فراموش نکن: خدا و مرگ.

دو چیز را همیشه فراموش کن: نیکی تو به دیگران و بدی دیگران  
نسبت به خودت.

و چهار نکته را بیش از پیش مراقبت کن:

بر سفره ای وارد شدی شکم نگه دار.

بر مجلسی وارد شدی زبان نگه دار.

بر خانه ای وارد شدی چشم نگه دار.

بر نماز وارد شدی دل نگه دار.<sup>۳</sup>

---

۱. پندهای ماندگار، ج ۱، ص ۱۶۶، علی رشیدی. - کشکول منتظری یزدی، ج ۲.

۲. همان.

۳. موعظه خوبان، ج ۱، ص ۴۸۰، سید علی رضا ادیبانی.

## حضرت آدم علیه السلام در برابر شش مجسمه

حضرت آدم علیه السلام روزی دید ناگهان سه مجسمه سیاه و بد قیافه در طرف چپ او قرار گرفتند و سه مجسمه نورانی در طرف راست او، از مجسمه‌های طرف راست یکی یکی پرسید شما کیستید؟

اولی گفت: من «عقل» هستم.

دومی گفت: من «حیا» هستم.

سومی گفت: من «رحم» هستم.

آدم علیه السلام پرسید: جای شما در کجاست؟

اولی گفت: در سر انسان،

دومی گفت: در چشم انسان.

سومی گفت: در دل انسان.

آدم علیه السلام به طرف چپ برگشت و از سه مجسمه سیاه و بدریخت یکی یکی پرسید شما کیستید؟

اولی گفت: من «کبر» هستم، حضرت آدم علیه السلام گفت: جای تو

کجاست؟ گفت در سر انسان. فرمود: سر که جای عقل است،

او گفت: اگر من وارد سر شوم، عقل می‌رود. از دومی پرسید تو

کیستی؟ او گفت: من «طمع» هستم. فرمود: جای تو کجاست؟

گفت در چشم انسان‌ها. فرمود: چشم که جای حیا است، گفت:

من اگر در چشم جا گرفتم، حیا می‌رود. و از سومی پرسید: تو

کیستی؟ گفت: من «حسد» هستم. فرمود: جای تو کجاست؟

گفت: جای من دل انسان‌هاست، فرمود: دل که جای رحم است،

گفت: اگر من وارد قلب انسان شوم، رحم و مروت از قلب می‌رود. به این ترتیب می‌فهمیم که اگر انسان دریچه‌های وجود خود را به روی گناهان بگشاید، هرگناهی که در وجود او جا کند، به همان نسبت، فضیلت و اخلاق انسانی از او دور می‌گردد.<sup>۱</sup>

### مقدمه بزرگی

باید صبر، مجاهده و زحمت کشیدن چون:

نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود

مزد آن گرفت که جان برادرکار کرد

با هوسرانی، بزرگی نصیب نمی‌شود، تمام این ناراحتی‌ها به نفع توست، مقدمه بزرگی و رشد حریت توست.

باید از این علاقه‌ها جدا گردی تا کارت به جائی رسد که امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

اگر مؤمن تمام دنیا را مالک باشد و صبح همه‌اش از بین رفته باشد، مثل پرکاهی است که بر دوشش بوده و افتاده است.

باید به این حدّ بررسی که وقتی تمام علاقه‌ها از بین رفت، دلت به قدری قوی و محکم شده با پروردگارت باشی که هیچ تأثیری در تو نگذارد.

با بزرگان جمع شدن و اتصال پیدا کردن، مناسبت لازم دارد. باید

---

۱. المواعظ العددیه، باب الثلاثه، آیت الله مشکینی - کشکول نوجوان و جوانان.



تمرین کنی و خودت را آماده کنی حیات دنیا نزد تو کم ارزش باشد...

اگر بزرگی جهنم و آنچه را خدا خبر داده است باور داشته باشی تمام ناراحتی‌های دنیا اثری در تو نمی‌کند، چنانچه اگر از بهشت و نعمت‌های آخرتی خبر داشته باشی، برای خوشحالی دنیا ارزشی قائل نیستی.<sup>۱</sup>

### مقامات عالی‌الهی

به لقمان گفته شد: مگر تو بنده فلان خاندان نیستی؟ فرمود: چرا. گفته شد: پس از چه راه به این مقام که می‌بینیم رسیدی؟ فرمود: با راست گوئی، امانت داری، رها کردن آنچه به من مربوط نیست، فرو بستن چشمان از حرام، نگه داشتن زبانم و خوردن غذای حلال و پاکیزه. پس هرکس کمتر از این داشته باشد، پایین تراز من است. و هرکس بیش از اینها داشته باشد، بالاتر از من است. و هرکس همین‌ها را داشته باشد همانند من است.<sup>۲</sup>

### پنج مسأله

شقیق بن ابراهیم گفت:

پنج مسأله از هفتصد عالم پرسیدم همه یک جواب دادند.

---

۱. باران فیض، ص ۴۵، بیانات آیت الله دستغیب رحمته.

۲. تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۲۳۰.

پرسیدم عاقل کیست؟ گفتند: آنکه به دنیا دل نبندد.  
پرسیدم زیرک کیست؟ گفتند: آنکه دنیا مغرورش نکند.  
پرسیدم بی نیاز کیست؟ گفتند: کس که به داده رضا دهد.  
پرسیدم فقیر کیست؟ گفتند: آنکه دائم در فکر زیان کردن است.  
پرسیدم بخیل کیست؟ گفتند: آنکه حق خدا را ندهد.<sup>۱</sup>  
(سوال از هفتصد عالم شاید در یک مجلس علماء جمع بودند)

### چهار چیز از غرائب است

۱. هر قدر می خوری زیاد می شود، آن غصه است.
۲. هر شیء بعد از ریختن ضایع می شود مگر اشک که بعد از ریختن بر قیمتش افزوده می شود (مثل گریه بر مصائب امام حسین علیه السلام)
۳. ظرف بلور که شکسته می شود بی قیمت می شود مگر قلب، همین که شکسته شد بر قیمت می شود، خداوند می فرماید:

انافی قلوب المنکسره؛

من در قلب های شکسته هستم.

هر چیزی را که مصرف نمائی کم می شود ولی علم هر قدر  
مصرف شود بسیار گردد.<sup>۲</sup>

۱. کشکول منظری یزدی، ج ۲، ص ۳۸۲- کشکول نوجوانان و جوانان، ص ۳۷.

۲. کشکول سید مرتضی مولانا، ص ۵۰- رنگارنگ، علی اکبر عماد، ج ۲، ص ۳۲۴

### فرق انسانها (۱)

- انسان‌های بزرگ درباره ایده‌ها سخن می‌گویند.
- انسان‌های متوسط درباره چیزها سخن می‌گویند.
- انسان‌های کوچک پشت سر دیگران سخن می‌گویند.
- انسان‌های بزرگ عظمت دیگران را می‌بینند.
- انسان‌های متوسط دنبال عظمت خود هستند.
- انسان‌های کوچک عظمت خود را در تحقیر دیگران می‌بینند.
- انسان‌های بزرگ درد دیگران را دارند.
- انسان‌های متوسط درد خودشان را دارند.
- انسان‌های کوچک بی‌دردند.

### فرق انسانها (۲)

استاد قرائتی انسان‌ها را چنین زیبا تشبیه می‌کند:

- بعضی از انسان‌ها مثل توت هستند با یک تکان دادن می‌ریزند.
- بعضی از انسان‌ها مثل سیب هستند با تکان دادن نمی‌ریزند باید با دست بچینی.
- بعضی از انسان‌ها مثل گردو با دست نمی‌شود چید بلکه باید با چوب بزنی تا بریزند.

## غذای حرام موجب عدم استجاب دعا

وقتی حجاج بن یوسف ثقفی که یکی از بزرگترین جنایتکاران تاریخ است به کوفه آمد و آن جا را از طرف عبدالملک، حکومت خود قرار داد. به او گفتند: در این شهر افرادی مستجاب الدعوه هستند. حجاج گفت: همه آنها را کنار سفره حاضر کنید. همه را آوردند حجاج به آنها گفت: غذا بخورند. سپس به آنها گفت، بروید. چون رفتند حجاج به اطرافیان گفت: با این غذای حرامی که اینها خوردند، مطمئن باشید که دیگر دعایشان مستجاب نخواهد شد.<sup>۱</sup>

## دو رکعت نماز و چهار زن بهشتی

مرد عربی به مسجد رسول خدا ﷺ وارد شد و دو رکعت نماز به جای آورد اما بسیار با شتاب خواند و در قرائت حمد و دیگر اذکار قواعد تجوید و ترتیل را رعایت نکرد و این درحالی بود که امام سجاد علیه السلام وی را می‌نگریست.

مرد عرب پس از سلام نماز دست به دعا برداشت و گفت: خدایا مرا در بالاترین درجات بهشت جای ده و یک قصر زرّین و چهار زیبا روی بهشتی عنایت فرما!! امام فرمودند:

ای عرب! مهریه‌ای بسیار اندک و ناچیز آورده و نکاحی بزرگ آرزو کرده‌ای!!<sup>۲</sup>

۱. عرفان اسلامی، ج ۲، ص ۳۳۴، شیخ حسین انصاریان.

۲. گنجینه لطایف، ص ۲۰، علی اکبر دارانی.

## کلید خیر و قفل شرّ

چند توصیه از علامه حسن زاده آملی (دام ظلّه العالی) به استفاده کنندگان از شبکه‌های مجازی:

- حق را با یادکردن و تکرارکردنش زنده کنید.
- باطل را با ترک کردنش نابود کنید.
- از تصاویر حرام و غیرشرعی پرهیز کنید.
- از بحث‌های بیهوده پرهیزید.
- از جوک‌هایی که دین و عبادات و مقدسات و اشخاص و ملت‌ها و قومیت‌ها را مسخره می‌کند پرهیزید.
- مصدر نقل شایعات نباشید و قبل از نقل و انتشار هر حدیث یا روایت یا داستان و خبری از صحت آن مطمئن شوید.
- بگذارید آن کلامی که می‌فرستید به نفع شما گواهی دهد نه علیه تان.
- خودتان را کلید خیر و قفل شرّ قرار دهید.
- هر متنی و پیامی که می‌فرستید به منزله تأیید و با امضاء شماست، نگو که به من رسیده و کپی کرده‌ام.<sup>۱</sup>



فصل دوم:  
داستان‌های دل‌انگیز





بخش دوم کتاب را با دو حکایت ظنز آغاز می‌کنیم تاگل زیبای وجودتان با خنده زیباتر گردد، لازم به ذکر است این دو حکایت جزو یکصد و ده نکته ارزشمند نیست، فقط جهت انبساط خاطر و رفع خستگی خوانندگان عزیز درج شده است.

### اتاق تعویض

روزی یک پدر با پسر پانزده ساله‌اش وارد یک مرکز تجاری می‌شوند. پسر متوجه دو دیوار براق نقره‌ای رنگ می‌شود که به شکل کشوئی از هم جدا شدند و دوباره به هم چسبیده‌اند، از پدر می‌پرسد، این چیست؟ پدر که تا به حال در عمرش آسانسور ندیده بود می‌گوید پسر، من تا کنون چنین چیزی ندیدم و نمی‌دانم. در همین موقع آنها زنی بسیار چاق را می‌بینند که با صندلی چرخدارش به آن دیوار نقره‌ای نزدیک شد و با انگشتش چیزی را روی دیوار فشار داد، و دیوار براق از هم جدا شد و آن زن خود را به زحمت وارد اتاقکی کرد، دیوار بسته شد، پدر و پسر، هر دو چشمشان به

شماره هائی بر بالای آسانسور افتاد که از یک شروع و بتدریج تا سی رفت، هر دو خیلی متعجب تماشا می کردند که ناگهان، دیدند شماره‌ها به طور معکوس و به سرعت کم شدند تا رسید به یک، در این وقت دیوار نقره‌ای باز شد و آنها حیرت زده دیدند، دختر جوان بسیار زیبا و ظریف، با طنازی از آن اطاقک خارج شد. پدر در حالی که نمی‌توانست چشم از آن دختر بردارد، به آهستگی به پسرش گفت: پسر، زود برو مادرت را بیار اینجا!

### خیانت به شوهر

کافری در خواب دید به جهنم رفته است. دید زنی را بر زمین دراز کرده و یک نفر مرتب به تن او سوزن فرو می‌کند.

پرسید: گناهِش چیست؟

گفتند: در آن دنیا یک دفعه به شوهرش خیانت کرده.

جلوتر زن دیگری را دید که دو نفر به او سوزن می‌زنند.

پرسید: این چی؟

گفتند: این یکی دو بار خیانت کرده.

جلوتر زن خودش را دید که عده‌ی زیادی دورش جمع شده و مرتب به او سوزن می‌زنند؛ فهمید که خیلی خیانت کرده است خواست او را سرزنش کند ولی زنش گفت: برو بینم بابا؟ جلوتر را

نگاه کن! مادرت زیر چرخ خیاطی خوابیده!!

### آثار نغمه‌ها و اذان در گوش کودک

چندین سال پس از جنگ جهانی دوم که آلمانی‌ها، فرانسه را اشغال کردند، زنی فرانسوی به جراحی مغز احتیاج پیدا کرد. هنگام عمل جراحی، وقتی چاقوی پزشک جراح، به رگی از مغز آن زن اصابت نمود، زن در حالت بی‌هوشی شروع به خواندن سرود آلمانی کرد. وقتی جراح چاقو را از روی آن رگ برداشت، سرود خواندن زن هم قطع شد. این امر موجب شگفتی پزشکان شده بود. پس از این که زن به هوش آمد، اظهار داشت که اصلاً قادر به تکلم زبان آلمانی نیست و این امر بر تعجب پزشکان افزود. در بررسی این پدیده شگفت‌انگیز، گروهی از پزشکان و روان‌شناسان گرد آمدند و به تحقیق پرداختند. پس از مطالعات زیاد، دریافتند که این زن، هنگام حمله سربازان آلمانی که در آن زمان سرود به زبان آلمانی می‌خواندند، در ذهن او اثر گذاشته و به یادگار مانده است. پس نتیجه می‌گیریم اذان گفتن به گوش بچه چقدر اثر خوبی دارد.<sup>۲</sup>

### کاری ارزشمندتر از طلای روی زمین

حضرت موسی علیه السلام پیش از نبوت از مصرف‌رار کرد و پس از تحمل آن همه سختی و گرسنگی به مدین رسید. دید عده‌ای برای آب دادن

۱. گنجینه معارف ۳، ص ۷۴۶، محمد رحمتی شهرضا.

۲. پنجاه‌های ماندگار، ص ۶۸، علی رشیدی. - داستان‌های شگفت‌انگیز از تربیت فرزند.

گوسفندان درکنار چاهی گردآمده‌اند، در میان آنها دختران حضرت شعیب علیه السلام پیامبر علیه السلام هم بودند. موسی علیه السلام به دختران شعیب کمک کرد و گوسفندان آنها را آب داد و دختران به خانه برگشتند. پس از آن موسی علیه السلام زیر سایه‌ای آمد و از فرط گرسنگی دعا کرد که خداوند نانی برای رفع گرسنگی به او برساند که یکی از دختران حضرت شعیب علیه السلام نزد موسی علیه السلام آمد و گفت: پدرم تو را می‌خواند تا پاداش آب دادن گوسفندان ما را به تو بدهد، موسی همراه دختر به منزل شعیب علیه السلام آمد وقتی وارد شد موسی علیه السلام کنارسفره نمی‌نشست و همچنان ایستاده بود، شعیب به او گفت: جوان بنشین و شام بخور! موسی علیه السلام پاسخ داد: پناه به خدا می‌برم. شعیب گفت: چرا مگر گرسنه نیستی؟

موسی علیه السلام جواب داد: چرا! ولی می‌ترسم که این غذا پاداش آب دادن گوسفندان باشد، ولی ما خاندانی هستیم که کاری که برای خدا و آخرت انجام داده‌ایم، اگر در برابر آن زمین را پر از طلا کنند و به ما بدهند ذره‌ای از آن را نخواهیم گرفت.

شعیب علیه السلام قسم خورد که غذا به خاطر پاداش نیست و مهمان نوازی عادت او و پدران او است. آن‌گاه موسی علیه السلام نشست و مشغول غذا خوردن شد.<sup>۱</sup>

## مراقبت در نگهداری اخلاص عمل

روزی جمعی در محضر امام باقر علیه السلام نشسته بودند، سخن از

۱. داستان‌های بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۲۰، محمودناصری. - بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۱.

اخلاص و نگهداری عمل، و کشیده نشدن آن به ریا، به میان آمد،  
امام باقر علیه السلام فرمودند:

الابقاء عَلَى الْعَمَلِ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ؛

نگهداری عمل از خودعمل، دشوارتر است.

یکی از حاضران پرسید، منظور از نگهداری عمل چیست؟ لطفاً  
چگونگی آن را بیان فرمائید: امام باقر علیه السلام فرمود:

مثلاً انسان پولی را به کسی می‌بخشد و یا در راه خدا انفاق می‌کند  
که به پاداش آن عمل، یک بخشش و انفاق پنهانی و مخلصانه  
برای او ثبت می‌شود، سپس در جایی آن را آشکار کرده که من  
فلان مبلغ به فلان کس بخشیدم و در فلان راه دادم، پاداش انفاق  
پنهانی او در نامه عمل او حذف می‌شود و به جای آن پاداش انفاق  
آشکار در نامه عمل او نوشته می‌شود. (که ثوابش کمتر است)  
بار دیگر در جای دیگر باز آن را آشکار و مطرح می‌کند، این بار  
آن پاداش نیز حذف شده و به جای آن ریا (که گناه بزرگی است)  
نوشته می‌شود.<sup>۱</sup>

### اثر ایمان به خدا

شبی، مرد عربی در خارج از شهر با زن جوان زیبایی برخورد نمود  
و از او خواست که با وی بیامیزد. زن گفت: آیا در ضمیرت واعظ دینی

۱. داستان دوستان، ج ۴، ص ۲۵۱ - اصول کافی، ج ۲، حدیث ۱۶.

نداری؟ آیا عقلت نمی‌تواند تو را از این کار زشت باز دارد؟ مرد در جواب گفت: به خدا جز ستارگانِ آسمان‌ها کسی ما را نمی‌بیند. زن گفت: پس ستاره آفرین خدا کجاست؟ مرد از شنیدن این سخن شرمسار شد و گفت توبه کردم و از این کار منصرف شدم.

سخنان پاک و بی‌آلایش این زن مسلمان، روشنگر این حقیقت است که چگونه ایمان به خدا و اعتقاد به احاطه علمی پروردگار، ضامن اجرای قانون الهی است و می‌تواند در شب تیره و در محیط خلوتِ بیابان یک فرد با ایمان را از عمل منافی با عفت باز دارد.<sup>۱</sup> {امتحان: طلا را با آتش، زن را با طلا و مرد را با زن امتحان می‌کنند}.<sup>۲</sup>

در مقامی که کنی قصد گناه

گر کند کودکی از دور نگاه

شرم داری ز گنه در گذری

پرده عصمت خود را ندری

شرم بادت که خداوند جهان

که بود واقف اسرار نهان

به تو باشد نظرش گاه به گاه

تو کنی در نظرش قصد گناه

۱. المستطرف، ج ۱، ص ۲۳۱- آیه الکرسی، پیام آسمانی توحید، ص ۳۰۰، استاد فلسفی رحمته الله علیه.

۲. کشکول جوانان، ص ۱۰۳.

## خدا ترسی زن باغبان

گویند در بصره رئیسی بود، وی روزی در باغ خود چشمش بر زن باغبان افتاد، آن زن در غایت زیبایی و نهایت عفاف بود، رئیس به زن گفت: همه درهای باغ را ببند. زن رفت و همه درها را بست و آمد و گفت: همه درها را بستم به جز یک در، که بسته نمی‌شود، رئیس با تعجب پرسید آن کدام در است؟ زن گفت: آن دری است که میان تو و آفریدگار است که به هیچ وجه بسته نمی‌شود. رئیس این سخن را شنید، استغفار کرد و به خطای خود پی برد و به توبه و انابه مشغول گشت.<sup>۱</sup>

## خشت‌های طلا و نقره

روایت شده است که:

حضرت محمد مصطفی ﷺ فرمودند: شبی که مرا به معراج می‌بردند، جمعی از فرشتگان را دیدم که در عرصه‌ای از زمین بهشت عمارتی می‌ساختند، خشتی از طلا و خشتی از نقره و در اثنای بنا کردن توقفی می‌کردند و باز به آن مشغول می‌شدند، سبب این را از ایشان پرسیدم، گفتند: تا نفقه (خرجی) به ما نرسد ما به این عمل مشغول نمی‌شویم. گفتم: نفقه شما چه چیز است؟ گفتند:

سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر

هرگاه بنده‌ی مؤمن این را بگوید و تسبیحات اربعه را بگوید، ما به بنا سازی (ساختمان سازی) مشغول می‌شویم و اگر از آن امساک

---

۱. پنجاه‌ی ماندگار، ص ۷۲، علی رشیدی. - جوامع الحکایات.

(خودداری) نماید، ما نیز از ساختن دست بر می داریم.<sup>۱</sup>

## ارزش فرزند صالح

رسول خدا ﷺ فرمود:

روزی حضرت عیسیٰ علیه السلام از کنار قبری عبور کرد که صاحب آن قبر شکنجه و عذاب می شد، سال آینده از کنار همان قبر عبور نمود، دید که او عذاب نمی شود عرض کرد: پروردگارا! سال گذشته از کنار این قبر عبور کردم صاحبش تحت شکنجه و عذاب بود ولی امسال بر همان قبر عبور کردم، عذابی بر او ندیدم، علت چیست؟

خداوند متعال به او وحی فرمود:

از صاحب قبر، فرزند صالحی به حد بلوغ و رشد رسید، و دو عمل نیک انجام داد: ۱- جاده ای را هموار و اصلاح کرد. ۲- به یتیمی محل سکونت داد و او را در پناه خود گرفت.<sup>۲</sup>

فَغَفَرْتُ لَهُ بِمَا عَمِلَ ابْنُهُ؛

او را به خاطر کردار نیک فرزندش، آمرزیدیم.<sup>۳</sup>

## محل گذر

گویند پادشاهی دُرُگران بهائی را نگین انگشتر کرده بود و فرزندان

۱. هزار و یک حکایت اخلاقی، ج ۱، ص ۷۱۷ - تفسیر منهج الصادقین، ج ۱، ص ۳۳۷.

۲. پندهای جاویدان، ص ۴۷۵. طرائف الحکم، ج ۲، ص ۵۲.

۳. همان.



را جمع کرده و خواست تا آنان جمله‌ای پیشنهاد کنند که نقش انگشتری کند که هرگاه برآن نظر افکند، اگر شاد بود غافل نشود و اگر غمگین بود، اندوهش را از بین ببرد. فرزنانگان هریک چیزی گفتند: حکیمی گفت: بنویس: «این نیز بگذرد».<sup>۱</sup>

### نماز پیامبر اکرم ﷺ

صدای اذان برای رسول خدا ﷺ چنان جاذبه داشت که هنگام اذان به بلال می‌فرمودند:

ما را از غم و اندوه و تلخی رهائی بخش.

حضرت می‌فرمودند:

گرسنه از غذا سیر و تشنه از آب سیر می‌شود ولی من از نماز سیر نمی‌شوم.<sup>۲</sup>

### مراعات حال همسایه

در تذکرة الخواص از ابن ابی الدنیا نقل شده است که:

مردی رسول خدا ﷺ را در خواب دیده و ایشان به وی فرمودند: برو و به فلان مجوسی بگو آن دعا مستجاب شد. از خواب بیدار شد ولی از رفتن خود داری کرد. مجوسی مردی ثروتمند بود. مرتبه دوم باز در خواب دید که همان سخن را به او فرمود، باز هم نرفت.

---

۱. هزار و یک حکایت اخلاقی، ج ۲، ص ۳۱۲ - گلشن لطیف، ج ۲، ص ۱۲۱.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۷۴ - نماز انس با خدا، ص ۵۹، علی رشیدی.

مرتبه سوم در خواب فرمودند: برو به آن مرد مجوسی بگو خداوند آن دعا را مستجاب کرد. فردای آن شب پیش او رفت و گفت: من فرستاده رسول خدا و پیک او هستم. به من فرموده به تو بگویم، آن دعا مستجاب شده است.

مجوسی گفت: مرا می شناسی و دین و مسلکی را که دارم می دانی؟ جواب داد: بلی. گفت: من منکر دین اسلام و پیغمبری حضرت محمد ﷺ بوده ام تا همین ساعت، ولی الان می گویم: اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله.

پس از آن تمام خانواده را خواست و گفت: تا کنون گمراه بوده ام، ولی اینک هدایت شده و نجات یافته ام. هرکس از بستگان من مسلمان شود، آن چه از اموالم در دست اوست همان طور در اختیارش باشد و هرکه امتناع ورزد دست از اموال من بشوید. تمام بستگان او اسلام آوردند، دختری داشت که او را به پسر خود تزویج کرده بود. بین آنها جدائی انداخت. به من گفت: می دانی، آن دعا چه بوده؟ گفتم: به خدا سوگند هم اکنون می خواستم از تو بپرسم.

مجوسی تازه مسلمان گفت: هنگامی که دخترم را به پسرم تزویج کردم، ولیمه مفصلی تهیه نمودم و تمام دوستان را به آن دعوت کردم. در همسایگی ما خانواده شریفی از سادات بودند که بضاعتی نداشتند. به غلامانم دستور دادم حصیری در وسط خانه پهن کردند و من بر روی آن نشستم در آن میان شنیدم صدای یکی از دختران علویه ای که همسایه ما بود بلند شد و این طور به مادرش

می‌گفت: مادر جان بوی خوش غذای این مجوسی ما را ناراحت کرده. همین که سخن را شنیدم بدون درنگ حرکت کرده و مقدار زیادی غذا و لباس و پول برای همه آنها فرستادم. چشم فرزندان علوی که به آن غذاها و لباسها افتاد بسیارشادمان و مسرور گردیدند. همان دخترک به دیگران گفت: قسم به خدا به این غذا دست دراز نمی‌کنم مگر این که اول صاحبش را دعا نمایم.

آنگاه دست‌های خود را بلند نمود و گفت خداوند! این مرد را با جدّمان پیغمبر اکرم ﷺ محشور گردان و بقیه آمین گفتند. آن دعائی که حضرت به تو فرمود به من اطلاع دهی از مستجاب شدنش همین دعای کودکان سادات بود.

تذکر: من و شما باید توجه مخصوصی داشته باشیم که وسیله بزرگی برای شفاعت در روز قیامت داریم، به شرط حفظ آداب و مراسم ولایت این خاندان<sup>۱</sup>.

### برکات صله رحم

مردی به نام «شعیب عقرقوی» می‌گوید که:

من روزی در خدمت موسی بن جعفر علیه السلام بودم، ایشان فرمودند: ای شعیب! فردا با مردی از اهل مغرب ملاقات می‌کنی و از حال من می‌پرسد و مایل به ملاقات من است، او را به خانه راهنمایی کن.

---

۱. شرح صحیفه سجاده ج ۱، ص ۴۰۳، حیدری نراقی.

فردا که در طواف بودم مردی بلند قامت به من توجه کرده و گفت: از تو سؤالی می‌کنم. منزل صاحب کجاست؟ گفتم: کدام صاحب؟ گفت: حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، بعد از مذاکره گفتم: همین جا بمان تا از طواف فارغ شوم، بعد از فراغ از طواف او را به خانه آن حضرت بردم و بعد از اجازه وارد خانه شدیم.

چون امام علیه السلام بر او نگاه کرد فرمودند: ای مرد! تو دیروز که در اینجا وارد شدی با برادرت در فلان مکان دعوا کردی؟ و کار به دشنام کشید و این دعوا و دشنام طریقه ما نیست. پس از خدای بی شریک بترس و بدان که به این زودی مرگ ما بین تو و برادرت جدائی خواهد افکند و برادرت در همین سفر خواهد مرد، پیش از آن که به وطن برسد و تو هم از کرده خود پشیمان خواهی شد و این مرگ و جدائی، به سبب قطع رحم است.

آن مرد پرسید: فدایت شوم آیا اجل من هم نزدیک شده؟ امام علیه السلام فرمودند:

تو نیز نزدیک به مرگ بودی ولی چون تو در فلان منزل با عمّهات صله رحم کردی و ملاقات نمودی، بیست سال بر عمرت افزوده شد.

از این داستان و روایات می‌فهمیم که اعمال و کارهای ما به محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک می‌رسد و حضرت از حال همه ماها با خبرند و چقدر برای انسان سخت است که امام زمانش از کارهای زشت او اطلاع پیدا کند. پس عزیزان بیایید تا می‌توانیم کارهای خوب

و نیک انجام دهیم که قلب امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام شاد و خوشحال شود و از کارهایی که امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را از ما می‌رنجانند و ناراحت می‌کند خودداری کنیم»<sup>۱</sup>.

### دلگرمی به رحمت خدا

حجت الاسلام و المسلمین استاد حسین انصاریان در کتاب عرفان اسلامی می‌نویسد:

استاد اخلاق، عارف بزرگوار، مفسر قرآن، مرحوم حاج شیخ محمود یاسری می‌گفت: پیامبر اکرم ﷺ به جبرئیل فرمود: از عجایبی که دیده‌ای برایم باز گو کن.

جبرئیل گفت: در زمان‌های گذشته در حالی که قرار بود بر یکی از پیامبران الهی نازل شوم، عابدی را در جزیره ای دیدم که با کمال شوق به عبادت حق مشغول بود و از خدا می‌خواست مرگش در حال سجده فرارسد.

عبادتش را نیکو یافتم، زمان بندگی‌اش را چهارصد سال دیدم، دعایش را مستجاب مشاهده کردم، علاقمند شدم وضع قیامتش را بینم، برایم اعجاب آور بود. روز قیامتش نشان می‌داد که اعمالش مورد قبول حق واقع نشده، به او خطاب می‌رسد که *أَدْخُلْ جَنَّتِي بِرَحْمَتِي*؛ بنده من با دلگرمی به رحمت من، وارد بهشتم شو، اما او عرضه می‌دارد: *أَدْخُلْ جَنَّتِكَ بِعَمَلِي*؛ پروردگارا! با دلگرمی

۱. رساله حقوق امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام، شرح نراقی، ص ۲۹۱ - منتهی الامال، ج ۲.

به اعمال و عباداتم، وارد بهشت می شوم. از سوی خداوند متعال خطاب می رسد: ای قاضیان دادگاه من! اکنون که پای معامله به میان آمد، تمام نعمت های مادی و معنوی ام را که به این عابد عنایت کردم با عبادتش بسنجید، چنانچه عبادت او گرانتر آمد، به بهشت برود و اگر نعمت های من گران تر شد به جهنم برود.

از نعمت های بینائی شروع می کنند، این نعمت از نظر ارزش خدائی بر تمام عبادات عابد سنگین تر آمد، چون او را به سوی دوزخ بردند، عرضه داشت: خداوند! برنامه های دیگری هم داشتم که محاسبه نشد، خطاب می رسد: چیست؟ عابد می گوید: امید به کرم تو، حسن ظنّ به عنایت تو و از همه بالاتر نیاز و فقر و ناچیزی خودم. خطاب می رسد: او را از مسیر عذاب برگردانید و به خاطر امید و حسن ظنّش به من، او را به سوی بهشت ببرید. چون عابد در مسیر بهشت قرار می گیرد، عرض می کند: ادْخُلْ جَنَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ؛ پروردگارا! با دلگرمی به رحمت، وارد بهشت می شوم نه با دلگرمی به اعمال و عباداتم.<sup>۱</sup>

## درب بهشت و صورت حورالعین

روایت شده است که:

مردی خدمت رسول اکرم ﷺ آمد و عرض کرد: من نذر کرده ام که درب بهشت و صورت حورالعین (زنان بهشتی) را ببوسم! حضرت

۱. هزار و یک حکایت اخلاقی، ج ۲، ص ۶۷۸. عرفان اسلامی، ج ۱، ص ۲۹۱.

فرمودند: برو پای مادرت را (به منزله صورت حورالعین) و پیشانی پدرت را (به منزله درب بهشت) بیوس. آن مرد عرض کرد: پدر و مادرم از دنیا رفته‌اند. حضرت فرمودند: «قبر آنها را بیوس» مرد گفت: مکان قبر آنها را نمی‌دانم. رسول خدا فرمود: دوخط روی زمین به صورت دو قبر بکش به نیت قبر پدر و مادرت و سپس آنجا را بیوس. هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام برای دیدار پسرش اسماعیل از شام به مکه آمد، فرزندش درخانه نبود و آن حضرت به سوی شام برگشت. وقتی اسماعیل به خانه برگشت، همسرش آمدن حضرت ابراهیم را به او خبرداد. اسماعیل به جست و جوی رد پای پدر پرداخت و جای پای پدرش را پیدا کرد و به عنوان احترام به پدر، جای پای ایشان را بوسید.<sup>۱</sup>

### حکایت چلو کبابی

بر دیوار مغازه‌ای تابلویی با این اسم به چشم می‌خورد: «نسیه داده می‌شود حتی به شما، وجه دستی به اندازه وسعمان پرداخت می‌شود». از صاحب مغازه دلیل آن را پرسیدند، می‌گوید: دیر زمانی وضع ما خوب بود. روزی سه، چهار دیگ چلو می‌فروختیم تا این که یک باره اوضاع، زیرو رو شد و کار ما از سکه افتاد، چندان که روزی یک دیگ هم مصرف نمی‌شد. شیخ رجبعلی خیاط رحمته الله را می‌شناختم که نفس و نفس پاکی دارد.

---

۱. بر پای منبر، ص ۲۳۱، شیخ جواد باقری بنایی. - الاعلام قطب الدین حنفی، ص ۲۴.

سراغش رفتم و حال و روزم را گفتم. پاسخ داد به کسی که مربوط نیست. همه اش تقصیر خودت است که مشتری‌ها را رد می‌کنی!

توبه تقصیر خودافتادی از این در محروم

از آنکه می‌نالی و فریاد چرا می‌داری؟

گفتم: ولی من تا به حالا کسی را رد نکرده‌ام! شیخ برافروخته شد و گفت: آن سید چه کسی بود که سه روز غذای نسیه خورده بود، بار آخر او را هُل دادی و از درمغازه او را بیرون کردی؟ مگر او مشتری نبود که او را راندی؟

شرمنده و سراسیمه بیرون آمدم و دنبال سید گشتم، پوزش خواستم و از همان روز تصمیم گرفتم این تابلو را نصب کنم و از آن زمان در به پاشنه‌ی دیگر چرخید و خیر و برکت به زندگی من روی آورد.<sup>۱</sup>

### عنایت امام صادق علیه السلام به سید حمیری

نسب سید به قبیله حمیر می‌رسد که اصالتاً از یمن بودند و قریشی نبودند. سید اسماعیل حمیری، نه فاطمی بود و نه علوی، بلکه سیادت او به معنای لغوی (آقا) و سید جز نام او بوده است. در مورد ایشان داستانی عجیب و آموزنده‌ای در کتاب تنقیح المقال علامه مامقانی رحمته الله علیه که از شیخ بهائی رحمته الله علیه نقل کرده‌اند که شنیدن آن خالی از لطف نمی‌باشد. نقل شده که:

سید حمیری روزی در راه مدینه بود در حالی که کوزه‌ای از شراب

۱. خاطرات ماندگار، ص ۹۹، عبدالکریم پاک‌نیا.



با خود به همراه داشت که ناگهان با امام صادق علیه السلام مواجه شد. حضرت (با اینکه می‌دانست او در کوزه چه به همراه دارد) از او پرسید: حمیری در کوزه چه داری؟ حمیری گفت: یا بن رسول الله شیر در کوزه به همراه دارم.

امام صادق علیه السلام فرمود: مقداری از آن شیر را در کف دست من بریز! انقلابی در دل سید پدید آمد و سپس کوزه را خم کرد. و با تعجب دید مقداری شیر از کوزه به کف دستان مبارک ریخته شد! در این هنگام حضرت از او سؤال کرد: امام زمانت کیست؟

حمیری گفت: امام زمان من کسی است که شراب را تبدیل به شیر می‌کند.

در احوالات سید آورده‌اند که از گناه خود (شرب خمر) قبل از وفات توبه کرد و امام صادق علیه السلام بارها برای او دعا کرد.

از شما خواننده عزیز تقاضا دارم در این داستان اعجاب انگیز بیندیشیم و از رئیس مذهب شیعیان حضرت جعفر بن محمد علیه السلام پرده پوشی و ستّاریت از گناهان شیعیان را بیاموزیم!!

### اطلاع امام صادق علیه السلام از حادثه رود بلخ

در خراج است که از هارون بن رثاب روایت است که گفت:  
من برادری داشتم جارودی مذهب {مذهب جارودی همان مذهب

زیدیه است که آنها فقط به امامت امام علی، امام حسن، امام حسین و امام سجاد علیهم‌السلام و زید پسر امام سجاد معتقد بوده‌اند؛ وقتی بر حضرت صادق علیه‌السلام وارد شدم، حضرت فرمود: چه گونه است برادرت که جارو دیست؟ گفتم: او پسندیده و مرضی است نزد قاضی و نزد همسایگان؛ و در همه حالات خود عیبی ندارد، مگر آنکه اقرار ندارد به ولایت شما. فرمود: چه مانع است او را از این؟ گفتم: گمانش این است که این از ورع (تقوی) و خداپرستی اوست. فرمود: کجا بود ورع او در شب نهر بلخ؟ راوی گفت: وارد شدم بر برادرم و به او گفتم: مادرت به عزایت بنشیند! چه بوده است قضیه شب نهر بلخ؟ آن گاه حکایت خود را با حضرت صادق علیه‌السلام درباره او برایش نقل کردم. برادرم گفت: آیا حضرت صادق علیه‌السلام تو را خبر داد به این؟ گفتم: بلی! گفت: شهادت می‌دهم اوست حجت رب العالمین، گفتم: خبریده از قصه خود گفت: می‌آمدم از پس نهر بلخ، رفیق شد با من مردی که با او بود کیزی آوازه خوان. پس آن مرد گفت: یا تو آتشی برای ما طلب کن و من حفظ می‌کنم چیزهای تو را، یا من به طلب آتش می‌روم و تو حفظ کن چیزهای مرا. من گفتم: تو برو پی آتش، من حفظ می‌کنم آنچه داری؟ پس چون آن مرد رفت به طلب آتش، برخاستم به سوی آن کنیزک؛ و واقع شد مابین من و او، آنچه شد. به خدا سوگند! نه آن کنیزک این امر را فاش کرد و نه من فاش کردم به احدی و نمی‌دانست این را مگر خداوند تعالی. پس برادرم را ترسی عارض شد! در سال دیگر با هم بیرون شدیم و رفتیم خدمت حضرت امام صادق علیه‌السلام پس، از

نزد آن حضرت بیرون نیامد، مگر آنکه معتقد به امامت آن حضرت شد.<sup>۱</sup>

### درخواست آیت الله حائری در حرم امام رضا علیه السلام

مرحوم استاد محمدی اشتهاردی رحمته الله علیه در پندهای جاویدان نقل می‌کند:

یکی از علمای برجسته و فقهای وارسته - که به راستی عالم ربانی بود - بنام مرحوم آیت الله شیخ مرتضی حائری رحمته الله علیه فرزند آیت الله العظمی حاج شیخ عبد الکریم حائری رحمته الله علیه مؤسس حوزه علمیه قم می‌باشد. که او در سال ۱۳۳۴ هجری قمری در اراک چشم به جهان گشود و در ۲۴ جمادی الثانی ۱۴۰۶ قمری (۲۵ اسفند ۱۳۶۴ شمسی) در ۷۲ سالگی از دنیا رفت. مرقد شریفش در مسجد بالا سر بارگاه ملکوتی حضرت معصومه علیها السلام قرار دارد.

یکی از علمای مورد وثوق نقل می‌کرد:

ایشان ۷۲ یا ۷۳ بار در طول عمر به مشهد برای زیارت مرقد مطهر حضرت امام رضا علیه السلام رفت و در همه این هفتاد و چند بار تنها تقاضائی که از آن حضرت نمود، و از درگاه خدا خواست تا به تقاضایش برسد این بود که خدا او را زائر واقعی آن حضرت قرار دهد، تا درسه مورد خطیر که امام رضا علیه السلام به زائرش قول داده نجاتشان دهد، او را نجات دهد: هنگام تقسیم نامه‌های عمل در

---

۱. منتهی الآمال، ص ۲۱۰، شیخ عباس قمی.

قیامت؛ روی پل صراط و در کنار ترازوی اعمال.<sup>۱</sup>

{ دفعه آخر امام رضا علیه السلام به شیخ مرتضی حائری فرمودند: دیگر به زیارت من نیا، این دفعه من می آیم به دیدار شما! }.

### أسقف مسلمان شد

انس بن مالک می گوید:

اسقف نجران وارد مدینه شد و به حضور عمر آمد تا جزیه خود را بپردازد، عمر بن خطاب او را به اسلام دعوت کرد، به عمر گفت: شما می گوئی: جَنَّةِ عَرْضِهَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ برای خدا بهشتی است که وسعت آن آسمانها و زمین را فرا می گیرد.<sup>۲</sup> پس آتش دوزخ در کجاست؟

عمر از جواب دادن ساکت ماند، به علی علیه السلام که در آنجا حاضر بود گفت: جواب این اسقف را بده، علی علیه السلام به اسقف فرمود: وقتی که، شب آمد، روز در کجاست؟ اسقف رو به عمر کرد و گفت: مرا از زمینی خبر بده که ساعتی بر آن آفتاب طلوع کرد، که پیش از آن ساعت و بعد از آن اصلاً آفتاب بر آن طلوع نکرده است عمر گفت: از علی علیه السلام پرس.

علی علیه السلام فرمود:

---

۱. خصال، حدیث ۲۲۰، شیخ صدوق. - پندهای جاویدان، ص ۴۰۶.

۲. سوره آل عمران / ۱۳۳.

آن زمین، زمین دریای رود نیل است که وقتی حضرت موسی علیه السلام و پیروانش، از آن گذشتند، آب نبود آفتاب بر آن تابید و پس از خروج موسی علیه السلام و پیروانش، آب آنجا را مثل سابق فرا گرفت.

اسقف گفت: درست گفتمی! اینک مرا به چیزی خبر بده که اهل دنیا هرچه از آن برمی دارند، نه کم می شود نه زیاد؟ حضرت فرمود: آن چیز قرآن و علوم مختلف است، گفت: مرا از اولین خونی که روی زمین ریخت، خبر بده، حضرت فرمود: شما می گوئید خون هاییل بود که توسط برادرش قایل ریخته شده ولی ما می گوئیم خونی که بر زمین ریخت، خون حیض و نفاس حضرت حوا بود.

اسقف گفت: یک مساله دیگر باقی مانده است و آن این که: بگوئیم، خدا در کجاست؟ عمر تا این سؤال را از اسقف شنید، در غضب شد، حضرت علی علیه السلام به عمر فرمود: غضب نکن، من جوابش را می دهم، اگر غضب کنی، اسقف گمان می کند که ما در برابر پرسش‌های او وامانندیم، سپس به اسقف رو کرد و فرمود: ما روزی نزد رسول خدا بودیم، فرشته‌ای نزد رسول خدا آمد، حضرت به فرشته فرمود: از کجا فرستاده شده‌ای؟ گفت از فوق هفت آسمان از نزد پروردگارم، سپس فرشته دیگری نزد رسول خدا آمد، حضرت به او فرمود: از کجا آمده‌ای؟ گفت: از زیر هفت آسمان، از نزد پروردگارم.

سپس فرشته‌ای دیگری نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد، حضرت به او فرمود: از کجا به سوی ما اقبال کرده‌ای؟ عرض کرد: از محل

غروب آفتاب از نزد پروردگارم، خداوند در هر مکان و زمان هست،  
او جهت خاصی ندارد.

وسع کرسیه السموات و الارض لیس کمثله و هو السميع البصیر  
لایعزب عنه مثقال ذرة فی السموات و لافی الارض؛

قدرت او آسمان و زمین را فرا گرفته، او همتائی ندارد و شنوا و بینا  
است، ذره‌ای از آسمان و زمین بر او پوشیده نیست؛<sup>۱</sup>

اسقف در همین موقع به دست علی علیه السلام مسلمان شد.<sup>۲</sup>

### مستحبی که هزار واجب در آن است

در زمان رضا خان که روزه خوانی را منع کرده بود، یکی از  
اطرافیان حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته الله علیه به ایشان عرض کرد:

چیزی نیست روزه خوانی یک عمل مستحب است که پهلوی آن  
رامنع کرده است. حاج شیخ فرمودند: بله مستحبی است که هزار

واجب در آن است. سپس افزودند: خدا می‌داند که چقدر احکام  
واجب و چه حالات و سیره و حکمت‌هایی از سید الشهدا علیه السلام و

سایر معصومین علیهم السلام در مقدمه روزه نقل می‌شود که سبب تقویت  
دین مردم می‌شود.<sup>۳</sup>

---

۱. سوره شوری / ۱۱.

۲. پنجاهای جاویدان، ص ۵۲۶، محمدی اشتهاردی.

۳. در محضر آیت الله بهجت، ص ۲۱۷، محمدحسین رخشاد.

## من خودم به دیدار شما می‌آیم

از آیت الله العظمی بهجت رحمته الله علیه نقل می‌کنند که می‌فرمودند:

در تهران استادی بود که در یکی از مدارس حوزوی لمعتین تدریس می‌کرد و شاگردی داشت که از لحاظ استعداد درسی خیلی عالی نبود. اما باطن صافی داشت و کارهای خارق العاده‌ای از او دیده و شنیده می‌شد. روزی چاقوی قلم تراشی استاد که خیلی به آن علاقه داشت گم شد و هرچه گشت آن را پیدا نکرد. به تصور آنکه بچه‌هایش چاقو را برداشته و گم کرده‌اند، نسبت به بچه‌ها و خانواده عصبانی بود. مدتی بدین منوال گذشت و چاقو پیدا نشد و جناب استاد نیز همچنان عصبانی بود و اهل منزل را مقصر می‌دانست. روزی آن شاگرد بعد از درس بدون مقدمه به استاد گفت: آقا، چاقویتان را در جیب جلیقه‌ی کهنه‌ی خود گذاشته‌اید و فراموش کرده‌اید. بچه‌ها چه گناهی دارند؟ استاد یادش آمد و تعجب کرد که آن طلبه چگونه از آن موضوع اطلاع داشته است؟! به این ترتیب، دیگر یقین کرد که یا در اثر تهنید به جایی رسیده است یا با اولیای خدا در ارتباط و سر و کار دارد. روزی بعد از پایان درس که اتاق خلوت شد، بعد از تمهید مقدمات و صحبت‌های طولانی به او گفت: آقای عزیز، مسلم است که شما با جانی ارتباط دارید؟ به من بگوئید خدمت آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مشرف می‌شوید؟ استاد اصرار می‌کند و شاگرد ناچار می‌شود جریان تشریف خود خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به او بگوید. استاد می‌گوید: عزیزم، این

بار وقتی مشرف شدید، سلام بنده را برسانید و بگوئید اگر صلاح می‌دانند، چند دقیقه‌ای اجازه تشرّف به بنده حقیر بدهند.

مدتی گذشت و آقای طلبه چیزی نگفت و استاد هم از ترس اینکه نکند جواب منفی باشد، جرأت نکرد از او سؤال کند، ولی به جهت طولانی شدن مدّت، صبرش تمام شد و روزی به شاگردش گفت: آقای عزیز، از عرض پیام من خبری نشد؟ دید که طلبه تعلّل می‌کند و نمی‌خواهد چیزی بگوید و عذر می‌آورد. گفت: عزیزم، خجالت نکش. آنچه فرموده‌اند به حقیر بگو، چون شما قاصد پیام بودی؛

و ما علی الرسول الا البلاغ المبین.<sup>۱</sup>

طلبه با خجالت و ناراحتی گفت: آقا فرمودند: لازم نیست ما چند دقیقه به شما وقت ملاقات بدهیم، شما تهنیت نفس کنید، من خودم نزد شما می‌آیم.<sup>۲</sup>

جمال یار ندارد نقاب چهره ولی

غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد

آینه شو، جمال پری طلعتان طلب

جاروب کن تو خانه پس میهمان طلب

۱. سوره عنکبوت / ۱۸.

۲. بر پای منبر، ص ۱۱۲، شیخ جواد باقری بنایی. - برگگی از دفتر آفتاب، ص ۲۱۵.



اول وقت نماز بود، صدای اذان از رادیوی ماشین به گوش می‌رسید جوانی که پهلوی من نشسته بود بلند شد و به طرف راننده رفت و به او گفت: آقای راننده نگهدار! می‌خواهم نماز بخوانم!

راننده با بی تفاوتی و بی خیالی گفت: برو بابا حالا کی نماز می‌خوانه! بعدش هم توجهی به این مطلب نکرد ولی با اصرار و خواهش جوان راننده ماشین را کنار جاده نگه داشت. و جوان هم پیاده شد و نمازش را با آرامش و طمأنینه خواند! من هم به طفیل او نماز خواندم.

پس از این که کنارم نشست و ماشین حرکت کرد از او پرسیدم چه چیزی باعث شده که نمازت را اول وقت بخوانید؟!

(چون آن روزها دوران طاغوت بود و حکومت ستمشاهی خاندان پهلوی بود و اکثر جوانان در بیراهه‌ها و انحرافات و فساد و فحشاء غوطه ور بودند و برای من شگفت‌انگیز و تعجب آور بود که چنین جوانی اول وقت نمازش را بخواند و اینقدر به مسئله دین اهمیت بدهد)، گفت: من با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عهد بسته‌ام که نمازم را اول وقت بخوانم! تعجب من بیشتر شد گفتم: چگونه و به خاطر چه چیز تعهد دارید؟ (و از همه مهمتر ملاقات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که آرزوی همه شیفتگان و دلدادگان اوست برای وی چگونه میسر شده است؟) گفت: من قضیه و داستانی دارم که برایت بازگو می‌کنم، من در یکی از کشورهای اروپائی بودم برای ادامه تحصیلاتم درس می‌خواندم

چند سالی بود که آنجا بودم، محلّ سکونتّم در یک بخش کوچک بود تا شهری که دانشگاه درآن بودم فاصله زیادی بود که اکثر اوقات من با ماشین این مسیر را طیّ می کردم. ضمناً در این بخش یک اتوبوس بیشتر نبود که مسافران را به شهر می برد و برمی گشت. برای فارغ التحصیل شدنم باید آخرین امتحانم را می دادم. پس از سالها رنج و سختی و تحمّل غربت، خلاصه روز موعود فرا رسید. درس هایم را خوب خوانده بودم و آماده بودم برای آخرین امتحان که امتحان سرنوشت ساز و مهمّی بود.

سوار اتوبوس شدم و پس از چند دقیقه اتوبوس راه افتاد، اتوبوس پُر از مسافرانی بود که به شهر می رفتند. من هم کتابم را باز کردم و مشغول درس خواندن شدم. نیمی از راه را آمده بودیم که یکباره اتوبوس خاموش شد، راننده پائین رفت و کاپوت ماشین را بالا زد، ماشین روشن نشد، دوباره و چند بار همین کار را کرد فایده نداشت، مسافران کنار جاده نشسته بودند و بچه هایشان بازی می کردند. من هم دلم برای وقت امتحان جوش می زد و ناراحت، چون وقت زیادی به امتحان نمانده بود.

وسیله نقلیه دیگر هم از جاده عبور نمی کرد که با آن بروم. نمی دانستم چکار کنم، در اضطراب و نگرانی و ناامیدی به سر می بردم، تا شهر هم فاصله زیادی بود که نمی شد پیاده بروم، با خود فکر می کردم که همه تلاشهای چند ساله ام از بین می رود و خیلی نگران و ناراحت بودم، یکباره جرقه ای در مغزم زد که وقتی

ما در ایران بودیم در دعای ندبه متوسّل به امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌شدیم و وقتی کارها به بن بست می‌رسید از او کمک و یاری می‌خواستیم، این بود که دلم شکست و اشکم جاری شد، گفتم یا بقیّه الله اگر امروز کمکم کنی و کارم را درست نمائی و من به امتحانم برسّم قول می‌دهم و تعهّد می‌نمایم که تا آخر عمرم نمازم را همیشه اول وقت بخوانم.

پس از چند دقیقه‌ای یک آقائی از آن دورها آمد و به راننده رو کرد و گفت چی شده؟ (با زبان خود آنها صحبت می‌کرد) راننده گفت نمی‌دانم هر کاری می‌کنم روشن نمی‌شود. آن آقا جلو رفت و قدری ماشین را دستکاری کرد و گفت استارت بزن، راننده چند تا استارت زد ماشین روشن شد و من برق امید در دلم زد و امیدوار شدم، مسافرین سوار شدند، همین که اتوبوس می‌خواست حرکت کند، دیدم همان آقا بالا آمد و مرا به اسم صدا زد و گفت: تعهّدی که به ما دادی یادت نره، نماز اول وقت!!

فهمیدم که حضرت بقیه الله عصر عجل الله تعالی فرجه عنایت فرموده و من اشک حسرت ریختم که چقدر در غفلت بودم. این بود سرگذشت نماز اول وقت من<sup>۱</sup>.

ماجرای عجیب قاسم بن علاء و نامه امام زمان عجل الله تعالی فرجه

شیخ مفید رحمته الله علیه از ابی عبدالله صفوانی نقل می‌کند:

۱. نماز اول وقت، محمد حسین رجائی خراسانی، ص ۵۱ با اندک تلخیص توسط مؤلف.

جناب قاسم بن علاء رضی الله عنه صد و هفتاد سال عمر کرد که هشتاد سال آن را صحیح و سالم گذراند. او امام هادی رضی الله عنه و امام حسن عسکری رضی الله عنه را زیارت کرده بود و حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) وی را امین و مورد اعتماد خود می دانست. این مرد بزرگوار در سن هشتاد سالگی چشم هایش را از دست داد و نابینا شد. ایشان در شهر وان<sup>۱</sup> که از شهرهای آذربایجان است سکونت داشت و توقیعات و نامه هائی که آقا حضرت صاحب الزمان رضی الله عنه به واسطه حضرت ابو جعفر عمروی (نایب دوم) و بعد از او حضرت ابی القاسم حسین بن روح (نائب سوم) ارسال می کردند، دریافت می کرد و طوری بود که هیچ وقت در این امر وقفه ای نمی افتاد. اما این او آخر نزدیک دو ماه توقیعات از او قطع گردید و همین باعث شد ایشان نگران شود و در اضطراب به سر برد. روزی در محضرش نشسته بودیم که ناگاه دربان او آمد و با شادی و خوشحالی مژده رسیدن پیک عراق را به ایشان داد ولی نام کسی را ذکر نکرد. قاسم به شکرانه این بشارت به درگاه الهی سجده نمود.

ناگاه دیدیم مردی کوتاه قامت که آثار سفر در او ظاهر است آمد و از در وارد گردید. قاسم جهت احترام او از جا برخاست و در آغوشش گرفت و با او معانقه نمود.

سپس قاصد نامه ای از خورجینش بیرون آورد و به قاسم داد. ایشان بلند شد و نامه را گرفت و بوسید و به متشی خود عبد الله بن ابی سلمه

۱. وان از شهرهای ترکیه که در گذشته جزو سرزمین ایران بوده است.

داد که برایش بخواند، منشی نامه را گشود و اول خودش قرائت کرد ولی دیدیم گریه می‌کند. قاسم پرسید: ای عبد الله! ان شاء الله خیر است، چرا گریه می‌کنی؟ مگر مولای من چه نوشته‌اند که ناراحت شده‌ای و گریه می‌کنی؟ گفت خبر وفات شما را مرقوم فرموده‌اند که چهل روز بعد از رسیدن این نامه وفات خواهید نمود به این صورت که روز هفتم مریض می‌شوید و خداوند هفت روز قبل از وفاتان چشم‌های شما را شفا می‌دهد و بینا می‌شوید و و این قاصد هم برای این آمده که گفتن را به شما برساند. قاسم وقتی این مطلب را شنید از قاصد پرسید: آیا این مردن با سلامتی در دین واقع می‌شود و من هنگام مرگ با همان اعتقادات صحیح از دنیا می‌روم؟! قاصد گفت بلی. قاسم مسرور شد و خندید و گفت: بعد از این عمری که کرده‌ام دیگر آرزوی زندگانی بیش از این را ندارم. ناگاه در این هنگام عبدالرحمن بن محمد شیرینی که از ناصبی‌ها بود و با قاسم در ظاهر اظهار دوستی و صداقت می‌نمود داخل گردید. وقتی قاسم او را دید گفت: این نامه را برایش بخوانید که من دوست دارم او هدایت شود.

حضار گفتند: باین مردی که جماعتی شیعه توان مناظره با او را ندارند چگونه عبدالله (منشی جناب قاسم) می‌تواند بحث کند. قاسم نامه را بیرون آورد و به عبدالرحمن داد و گفت: این را بخوان. عبدالرحمن نامه را گرفت و شروع به خواندن کرد تا رسید به جایی که خبر از وفات داده بودند همین که این مطلب را خواند متوجه

قاسم شد و گفت: یا ابا محمد از خدا بترس! تو مرد فاضلی در دین خود هستی، این حرفها چیست که می زنی؟ خدا می فرماید: و ما تدری نفس ماذا تکسب غدا و ماتدری بایّ ارض تموت<sup>۱</sup>؛ کسی نمی داند فردا چه کاری خواهد کرد و هیچ کس نمی داند در کدام زمین خواهد مرد. و باز می فرماید: عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه احدا<sup>۲</sup>؛ خدا غیب را می داند و بر غیب خود هیچ کس را مطلع نمی کند. قاسم گفت: تمام آیه را بخوان در آخر آیه بعد از این کلام می فرماید: «الا من ارتضی من رسول<sup>۳</sup>؛ مگر آن رسول و فرستاده ای که از او خشنود باشند.» و مولای من از آن افراد است. اگر این سخن را باور نمی کنی تاریخ امروز را یادداشت کن تا صدق آن برایت معلوم شود. یعنی اگر من قبل از این روز یا بعد از آن روز مردم بدان که بر اعتقادات فاسد و باطل بوده ام و اگر در همان روز مردم تو در عقاید خود تأمل کن و آخرت خود را ببین. عبدالرحمن وقتی این گفته قاسم را شنید تاریخ آن روز را ضبط کرد و اهل مجلس متفرق شدند. روز هفتم قاسم مریض شد و تب کرد و ناخوشی او روز به روز شدت گرفت تا این که روزی نزد بالینش نشستیم ناگاه از چشم او آبی جاری شد و چشمانش بینا شد او چشمانش را گشود و پسر خود را دید و گفت: یا حسین بیا یا فلان بیا. ما به چشمانش نگاه می کردیم و می دیدیم حدقه هایش صحیح

---

۱. سوره لقمان / ۳۴.

۲. سوره جن / ۲۶.

۳. سوره جن / ۲۷.

و بی‌عیب‌اند. به زوری این خبر در میان مردم پخش شد و جماعت بسیاری از اهل سنت برای دیدن او آمدند و وقتی دیدگانش را سالم و صحیح می‌دیدند تعجب می‌نمودند. ضمناً خبر به عقبه بن عبدالله مسعودی قاضی القضاة بغداد رسید او هم سوار بر مرکب شد و به دیدن قاسم آمد و برایشان داخل شد انگشتر خود را به دست گرفت و گفت: یا ابا محمد این شئی که در دست دارم چیست؟ قاسم فرمود: انگشتر فیروزه. قاضی آن را نزد قاسم برد، ایشان انگشتر را ملاحظه کرد و گفت: سه سطر بر آن نوشته شده که نمی‌توانم آنها را بخوانم. ناگاه در این اثنا چشم قاسم به پسر خود حسن افتاد که در وسط حیاط خانه بود متوجه او شد و گفت: «اللَّهُمَّ، اَلْهَمِ الْحَسَنَ طَاعَتَكَ وَ ذَبْهُ عَنِ مَعْصِيَتِكَ؛ خداوندا اطاعت خودت را به حسن الهام فرما و از معصیت حفظ اش کن».

روز چهارم ورود نامه رسید، قاسم در آن روز مقارن طلوع فجر و اذان صبح داعی حَقِّ رالَبِیک گفت و وفات نمود.

وقتی این خبر به گوش عبدالرحمن رسید با سر و پای برهنه و حسرت زده دوید و در میان بازارها ناله‌اش را به (واسیدا) بلند کرد. مردم که این حالت را از او دیدند تعجب کردند و این موضوع را از او خیلی غریب و بزرگ شمردند و او را ملامت نمودند. عبدالرحمن برایشان نعره زد و فریاد کشید و گفت: ساکت باشید! آن چیزی که من دیده‌ام شما ندیده‌اید و دیگر از اعتقادات باطل خود دست برداشت و از شیعیان خالص گردید.

بعد از چند روز از وفات قاسم، توییعی از ناحیه مقدسه به پسرش حسن رسید که حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن مرقوم فرموده بودند:

الهمك الله طاعته و جنبك معصيته و هذا الدعا الذی دعی به ابوك؛

خداوند اطاعت خودش را به تو الهام فرماید و از گناهان حفظ کند و این همان دعائی است که پدرت در حق تو نمود.<sup>۱</sup>

### نکته‌های آموزنده از این حکایت

در این حکایت (ماجرای عجیب قاسم بن علاء) نکته‌های درس آموزی وجود دارد که جهت رعایت اختصار، چند نکته را ذکر می‌کنیم:

نکته اول: دغدغه همیشه بزرگان عاقبت به خیری بوده است.

نکته دوم: دوستی با اولیای خدا موجب سعادت انسان است.

همنشین از تو به باید تا تو را عقل و دین بیفزاید

نکته سوم: دعا کردن برای فرزندان، دعای والدین در حق فرزندان زود مستجاب می‌شود.

نکته چهارم: ائمه اطهار علیهم السلام از احوال ما با خبرند، طبق آیات و روایات اعمال ما به حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عرضه می‌شود و امام

---

۱. العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۴۰۵، آیت الله علی اکبر نهانندی، با اندکی تلخیص توسط مؤلف.



عصر ع از اعمال ما باخبر است.

نکته پنجم: باید برای هدایت انسان‌ها کوشش و تلاش کرد.

معطر شدن ملائکه در مجلسی که نام ائمه ع ذکر می‌شود

در جلد نهم بحار الانوار و ریاض الابرار از اُمّ السَّلَمه روایت شده که:

گفت شنیدم از رسول خدا ص که فرمودند: جمع نشدند جماعتی که ذکر کنند فضائل علی بن ابی طالب ع مگر آنکه ملائکه از آسمان نازل می‌شوند و اطراف آن‌ها را فرا می‌گیرند تا وقتی که متفرق می‌شوند ملائکه عروج می‌کنند و به جانب این دسته از ملائکه که از زمین آمده‌اند می‌گویند: ما بوی خوشی از شما می‌شنویم که از سایر ملائکه نمی‌شنویم و بوی به این خوبی از احدی نشنیده‌ایم. می‌گویند: ما نزد جماعتی حاضر بودیم که یاد می‌کردند محمد و آل محمد ع را، پس این بوی آنهاست که ما را معطر گردانیده است. ملائکه به یکدیگر می‌گویند ما هم برویم در آن مجلس تا معطر شویم، می‌گویند مجلس بر هم خورد و متفرق شدند و هر یک به سوی منزل خود رفتند در این حال ملائکه می‌گویند:

اهبطوا بنا حتی نتعطر بذلک المکان.

یعنی ملائکه می‌گویند بیایید برویم تا خود را معطر کنیم به همان مجلسی که فضائل اهل بیت ذکر می‌شود.<sup>۱</sup>

۱. ثمرات الحیات، ج ۳، ص ۷۷، سید محمود امامی. - بحار الانوار، ج ۹، علامه مجلسی ع.

## از عطش امام حسین علیه السلام حیا کردم

از آیت الله العظمی اراکی رحمته الله علیه نقل شده است:

شبى خواب امير کبير علیه السلام را دیدم، جایگاهی متفاوت و رفیع داشت. پرسیدم: چون شهیدی و مظلوم کشته شدی این مرتبت نصیب گردیدی؟ بل بخندگفت: خیر. سؤال کردم: چون چندین فرقه ضالّه را نابود کردی؟ گفت: نه. با تعجب پرسیدم: پس راز این مقام چیست؟ جواب داد: هدیه مولایم حسین علیه السلام است. گفتم: چطور؟ با اشک گفت: آنگاه که رگ دودستم را در حَمّام فین کاشان زدند، چون خون از بدنم می رفت تشنگی بر من غلبه کرد، سرچرخاندم تا بگویم قدری آب دهید؛ ناگهان به خود گفتم میرزاتقی خان! دو تا رگ بریدند این همه تشنگی! پس چه کشید پسر فاطمه علیه السلام؟ او که از سرتا به پایش زخم شمشیر و نیزه و تیر بود! از عطش حسین علیه السلام حیا کردم، لب به آب خواستن باز نکردم و اشک در دیدگانم جمع شد. آن لحظه که صورتم بر خاک گذاشتند، امام حسین علیه السلام تشریف آوردند و فرمودند: به یاد تشنگی ما ادب کردی و اشک ریختی؛ آب نوشیدی این هدیه ما در برزخ، باشد تا در قیامت جبران کنیم.<sup>۱</sup>

## روضه امام حسین علیه السلام، کوچ از قتلگاه

فرازی از سلام‌های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه بر پیکر قطعه قطعه امام حسین علیه السلام:

السَّلَامُ عَلَى الشَّفَاةِ الذَّابِلَاتِ

۱. قصه‌های ماندگار از خوبان روزگار، ص ۹۹، علی رشیدی. - آخرین گفتارها، ج ۲، محمد راجی قمی.

سلام بر آن لب‌های خشکیده و تشنه کام

السَّلامُ على الأَعْضاءِ الْمُقَطَّعاتِ

سلام بر آن اعضای پاره با خون خضاب

السَّلامُ على الشَّيبِ الحَضْبِ

سلام بر کسی که محاسنش با خون خضاب شده

السَّلامُ على الحَدِّ التَّريبِ

سلام بر چهره بر خاک افتاده

السَّلامُ على الرَّاسِ المَرْفوعِ

سلام بر سری که بر فراز نیزه رفته.<sup>۱</sup>

حمید بن مسلم از سربازان دشمن می گوید:

به خدا سوگند زینب دختر علی علیه السلام را فراموش نمی‌کنم که در کنار بدنهای پاره پاره ناله و گریه می‌کرد و با صدای جانسوز و قلب غمبار می‌گفت:

(وإِمامِنا مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) هَذَا حُسَيْنٌ مُرْمِلٌ بِالِدَّمَاءِ،  
مُقَطَّعُ الأَعْضاءِ وَبَنَاتُكَ سَبائِيا)؛

فریاد ای محمد، درود فرشتگان آسمان برتوباد، این حسین توست که در خون غوطه وراست و از خون، پیراهن به تن کرده، اعضایش

قطع شده و دختران توبه عنوان اسیر عبور داده می‌شوند.

پس با زبان پر گله آن بضعة الرسول

رو کرد به در مدینه که یا ایها الرسول

این کشته فتاده به هامون حسین توست

وین صید دست و پا زده در خون حسین توست

برخی نقل کرده‌اند که زینب عَلَيْهَا السَّلَامُ خم شد و لب‌هایش را بر  
گلوی بریده گذاشت.

هرگز کسی چون توبی سر نبوسید

بوسیدم آنجائی که پیغمبر نبوسید

حتی نسیم صحرا نبوسید

حیدر نبوسید زهرا نبوسید

در روایت دیگر آمده است که سخنان دیگری فرمود که از جمله:

هذا حسین مجرور الرأس من القضا، مَسْلُوبُ العِمَامَةِ والرِّدَا....

بِأَبِي المَهْمُومِ حَتَّى قَضَى، بِأَبِي العَطْشَانِ حَتَّى مَضَى بِأَبِي مَنْ شَيْبَتُهُ  
تَقَطِيرَ الدَّمَاءِ؛

ای جدِّ بزرگوار این حسین توست که سرش را از قفا بریده‌اند،

لباس و عمامه‌اش را به یغما برده‌اند، پدرم فدای آن شخصی که با

غصه‌های فراوان شهید شد. پدرم فدای آن تشنه‌کامی که با لب

تشنه جان داد، پدرم به فدای آن کسی که قطرات خون از محاسن

شریفش می‌ریزد...<sup>۱</sup>

زبان حال حضرت زینب کبری علیها السلام در قتلگاه

سسلندی ای حبیب خدا ختم الانبیا

گل گور حسینوه نه جفا ائندی اشقیا

اعضاسی دوغر انوب بویانوب قانا سربه سر

بو حالی شمر شومه گنه ایلمور اثر

ویرمور امان حسینمی قبره قویوب گیدوم

قان آغلیوب دیونجا بو چولده دیوبوب گیدوم

زهرایه عرضیمی یتور ای شاه ممتحن

زینب اسیر گتیدی حسین قالدی بی کفن<sup>۲</sup>

کلید بهشت و جهنم در دست علی علیه السلام

مأمون عباسی از امام رضا علیه السلام پرسید: به چه جهت به امیر المؤمنین

علی علیه السلام می‌گویند: «قَسِیمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ»؟ (علی علیه السلام تقسیم کننده بهشت و

جهنم است)، حضرت رضا علیه السلام در پاسخ فرمودند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

حُبُّ عَلِيٍّ إِيْمَانٌ وَ بُغْضُهُ كُفْرٌ؛

دوستی با علی علیه السلام ایمان و دشمنی با او کفر است.

---

۱. روضة الواعظین، ص ۲۱۳، سعید طالبی نیا.

۲. مرحوم منزوی.

و چون بهشت برای مؤمن است و جهنم برای کافر، پس هرکه حُبّ علی را در دل داشته باشد، مؤمن است و جایگاهش بهشت و هرکه بغض و کینه علی علیه السلام را در دل داشته باشد، کافر و جایگاه او جهنم است.<sup>۱</sup>

ای دل غمین مباش که مولای ما علی است

گر ره راست می طلبی رهنا علی است

در وقت مرگ و در لحد و در پیل صراط

فریادرس به هر دو سرا مرتضی علی است

### دعای معروف ابوذر رضی الله عنه در میان اهل آسمانها

ابن بابویه رضی الله عنه به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که روزی ابوذر رضی الله عنه بر حضرت رسالت پناه گذشت و جبرئیل به صورت دحیه کلبی (که جوان زیبارو بود و جبرئیل گاهی به شکل او نازل می شد) در خدمت آن حضرت به خلوت نشسته بود و سخن در میان داشت. ابوذر گمان می کرد که دحیه کلبی است و با حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله حرف (سخن) نهانی دارد بگذشت، جبرئیل گفت: یا محمد! اینک ابوذر بر ما گذشت و سلام نکرد، اگر سلام می کرد ما او را جواب سلام می گفتیم. بدرستی که او را دعائی هست که در میان آسمانها معروف است چون (وقتی) من عروج نمایم از وی سوال کن. وقتی جبرئیل رفت ابوذر آمد حضرت فرمود: ای ابوذر

۱. نکته‌ها و سرگذشت‌های خواندنی، ص ۵۷، الامام علی علیه السلام، ص ۵۱۷، رحمانی همدانی.

چرا بر ما سلام نکردی؟ ابوذر گفت: چنین یافتم که دحیه کلبی نزد توست و برای امری او را به خلوت طلبیده‌ای، نخواستم کلام شما را قطع نمایم. حضرت فرمود: او جبرئیل بود و چنین گفت. ابوذر بسیار نادم (پشیمان) شد حضرت فرمود: چه دعاست که خدا را به آن می‌خوانی که جبرئیل خبر داد که در آسمان‌ها معروف است، گفت: این دعا را می‌خوانم:

اللهم اِنِّی اسئلك الایمان بك و التصدیق بنبیک و العافیة من جمیع

البلاء و الشكر على العافیة و الغنى عن شرار الناس.<sup>۱</sup>

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خوشنود باشی و ما رستگار

الحمد لله رب العالمین





## منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- آشتیانی، احمد، (۱۳۹۰)، طرائف الحکم یا اندرزهای ممتاز، قم، نشر زهیر.
- ۴- آمدی، عبدالواحد، (بی تا)، غررالحکم و دررالحکم، ترجمه: هاشم رسولی، قم، نشر فرهنگ اسلامی.
- ۵- ادیانی، سید علی رضا، (بی تا)، موعظه خوبان، قم، نشر زمزم هدایت.
- ۶- اکبرپور، حبیب الله، (۱۳۸۴)، قصه‌های قیامت، مشهد، ناشر الف.
- ۷- الایشهی، شهاب الدین احمد ابوالفتوح، (۲۰۰۰ م)، المستطرف فی کل فن مستطرف، لبنان، نشر مکتب دارالاداب.
- ۸- امامت کاشانی، عزیز الله، (۱۳۵۱)، کشکول امامت، قم، مجمع متوسلین به آل محمد علیهم السلام.

۹- امامی اصفهانی، سید محمود، (۱۳۸۴)، ثمرات الحیوة، قم، نشر قائم آل محمد علیهم السلام.

۱۰- امیری پور، احمد، (۱۳۹۶)، کلیات تاریخ چهارده معصوم علیهم السلام، تهران، نشر آدینه.

۱۱- انصاریان، حسین (بی تا)، عرفان اسلامی (شرح جامع مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه)، چاپ سوم، اصفهان، نشر حُجَّت.

۱۲- اوجاقی، مغامیر، عبدالله، (۱۳۹۱)، نکته‌ها و سرگذشت‌های خواندنی، قم، نشر هادی.

۱۳- باقری بنابی، شیخ جواد، (۱۳۹۳)، برپای منبر، تبریز، نشر یاس نبی.

۱۴- باقی زاده، رضا، (۱۳۸۵)، برگگی از دفتر آفتاب، قم، نشر میراث ماندگار.

۱۵- بهائی، محمد، (۱۳۸۷)، کشکول شیخ بهائی، ترجمه: عزیزالله کاسب، تهران، انتشارت گلی.

۱۶- بهجت، محمدتقی، (۱۳۸۵)، فریادگر توحید، گروه مؤلفین زندگی نامه حضرت آیت الله بهجت، قم، نشر انصاری.

۱۷- پاک نیا، عبدالکریم، (۱۳۹۶)، خاطرات ماندگار از خوبان روزگار، قم، نشر فرهنگ اسلامی.

۱۸- جاوید، علی اکبر، (۱۳۹۰)، گلشن لطایف (مجموعه هفتصد و هشتاد لطیفه آموزنده)، تهران، نشر پیام آزادی.

- ۱۹- حرّ عاملی، محمد، (بی تا)، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل بیت.
- ۲۰- حرّانی، حسن بن علی، (۱۳۶۶)، تحف العقول، تهران، نشر اسلامیہ.
- ۲۱- حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۸۵)، رساله نور علی نور، قم، نشرالف لام میم.
- ۲۲- حسن زاده، صادق، محمود طیار مراغی، (۱۳۷۸)، اسوه عارفان، نشر مؤمنین.
- ۲۳- حسینی لیلابی، سید ابراهیم، (۱۳۹۱)، آمال الواعظین، ساری، نسیم کوثر.
- ۲۴- حسینی بحرانی، سیده‌اشم، (۱۴۱۵ ه.ق)، تفسیر البرهان، تهران، نشر بنیاد بعثت.
- ۲۵- حکیمی، محمدرضا، (۱۳۸۰)، الحیاء، ترجمه: احمد آرام، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
- ۲۶- حنفی، قطب الدین، (بی تا)، الاعلام تا اعلام بیت الله الحرام، مکه، نشرمکتب التجاری.
- ۲۷- حیدری نراقی، علی محمد، (۱۳۹۱)، شرح رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، نشر مهدی نراقی.
- ۲۸- خسروی، موسی، (بی تا)، پند تاریخ، تهران، نشر کتابفروشی اسلامی.

۲۹- دارانی، علی اکبر، (بی تا)، گنجینه لطایف، مشهد، نشر  
بنیاد.

۳۰- درودگر، یوسف، (۱۳۸۹)، کشکول نوجوانان و جوانان، تهران،  
نشر یاس بهشت.

۳۱- دستغیب، سید عبدالحسین، (۱۳۹۶)، فیض باران، تهران،  
نشر الزهرا (س).

۳۲- دیلمی، حسن بن حسن، (۱۴۱۲ ه.ق)، ارشادالقلوب، قم، نشر  
دارالشریف.

۳۳- راجی قمی، محمد، (۱۳۶۶)، آخرین گفتارها، تهران،  
نشر حیدری.

۳۴- رازی، فخرالدین، (بی تا)، تفسیر کبیر، بیروت، نشر دارالاحیا.

۳۵- راوندی، قطب الدین، (۱۴۰۹ ه.ق)، خرائج و جرائح، قم، نشر  
مؤسسه امام مهدی عجله تعالی فرجه الیه.

۳۶- رحمانی همدانی، احمد، (۱۳۷۴)، الامام علی علیه السلام، قم، نشر  
معارف اهل بیت علیهم السلام.

۳۷- رحمتی شهر رضا، محمد، (۱۳۸۹)، داستان‌های شیرین، قم،  
نشر علامه بحرانی.

۳۸- رسولی محلاتی، سید هاشم، (۱۳۸۳)، صحیفه علویه،  
نشر بوستان کتاب قم.

۳۹- رخشاد، محمد حسین، (۱۳۸۲)، در محضر آیت الله بهجت، قم،

مؤسسه فرهنگی سما.

۴۰- رجانی خراسانی، محمدحسین، (۱۳۸۹)، نماز اول وقت، مشهد، نشر رستگار.

۴۱- رشیدی کهلان، علی، (۱۳۹۵)، نفایس و لطایف، قم، نشر نسیم حیات.

۴۲- -----، (۱۳۹۰)، پندهای ماندگار، تبریز، نشر هادی.

۴۳- -----، (۱۳۹۶)، ۳۱۳ نکته گهربار، تبریز، نشر مائده.

۴۴- -----، (۱۳۹۳)، قصه‌های ماندگار از خوبان روزگار، قم، نشر نسیم حیات.

۴۵- -----، (۱۳۹۱)، نماز انس با خدا، قم، نشر هادی.

۴۶- رحمتی شهرضا، محمد، (۱۳۸۵ ه.ش)، قم، نشر صبح پیروزی

۴۷- ری شهری محمدی، محمد، (۱۳۸۹)، زمزم عرفان، قم، نشر دارالحدیث.

۴۸- ساعی، سیدمهدی، (۱۳۸۶)، به سوی محبوب، قم، نشر دفتر آیت الله بهجت.

۴۹- سقزاده، میرزا رضا، (۱۳۸۲)، گل‌های ارغوان، تهران، نشر کتابفروشی اسلامی.

- ۵۰- شاه محمدی، فاطمه، (۱۳۹۰)، شیطان ستیزی، نشر پارلا.
- ۵۱- شوشتری، جعفر، (۱۳۷۴)، خصائص الحسینیه، ترجمه: علی رضا کرمی اصفهانی، قم، نشر حاذق.
- ۵۲- شوشتری، محمدتقی، (۱۳۷۶)، شرح نهج البلاغه، تهران، نشر امیر کبیر.
- ۵۳- شیخ صدوق، علی بن بابویه قمی، (۱۳۸۸)، امالی، ترجمه حسن زاده، قم، نشر هادی.
- ۵۴- -----، (بی تا)، خصال، قم، نشر جامعه المدرسین.
- ۵۵- -----، (بی تا)، ثواب الاعمال، قم، نشر رضوی.
- ۵۶- طالبی نیا، سعید، (۱۳۷۵)، روضة الواعظین، قم، نشر خادم الرضا.
- ۵۷- طباطبائی، سیدمحمد، (۱۳۹۰)، علمای ربانی در تاریخ تشیع، قم، نشر نسیم کوثر.
- ۵۸- طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲ ه.ق.)، مکارم الاخلاق، قم، شریف رضی.
- ۵۹- عروسی، حویزی، عبد علی بن جمعه، (بی تا)، تفسیر نور الثقلین، قم، نشر مطبعه العلمیه.
- ۶۰- عطار، محمد، (۱۳۵۴)، گنجینه عطار یا کشکول مرتضوی،

نشر کتابفروشی مرتضوی.

۶۱- عماد، علی اکبر، (۱۳۸۹)، رنگارنگ، نشر کتابفروشی قرشی.

۶۲- عوفی، محمد، سدیدالدین، (۱۳۷۲)، جوامع الحکایات و لوامع الروایات، به کوشش جعفر شمار، تهران، نشر انقلاب اسلامی.

۶۳- فلسفی، محمدتقی، (۱۳۸۷)، آیه الکرسی پیام آسمانی توحید، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.

۶۴- قرائتی، محسن، سیدجواد بهشتی، (۱۳۷۵)، همراه نماز، تهران، نشر ستاد اقامه نماز.

۶۵- قرنی گلپایگانی، علی، (بی تا)، اسرار معراج، قم، نشر کتابچی.

۶۶- قمی، عباس، (۱۳۸۴)، منتهی الآمال، قم، نشر جمال.

۶۷- -----، (۱۳۷۹)، منازل الاخرة، قم، نشر مرکز فرهنگی

شهید مدرس.

۶۸- -----، (۱۳۹۱)، مفاتیح الجنان، نشر پژوهشگاه اندیشه، چ

ششم.

۶۹- قنبری، حیدر، (۱۳۸۴)، داستانهای شگفت انگیز از تربیت

فرزند، نشر منشور وحی.

۷۰- کاشانی، فتح الله، (۱۳۳۶)، تفسیر منهج الصادقین، تهران،

نشر کتابفروشی محمدحسن علمی.

۷۱- کاشانی، ملاحبیب الله، (۱۳۲۷)، ریاض الحکایات، نشر علمیه

اسلامیه.

- ۷۲- کریم خانی، حمزه، (۱۳۹۰)، اخلاق خانوادگی عارفان، قم، نشر عطر یاس.
- ۷۳- کلینی، محمد بن یعقوب، (بی تا)، اصول کافی، ترجمه: سید جواد مصطفوی، تهران، نشر دارالکتب الاسلامی.
- ۷۴- -----، (۱۹۹۲ م)، فروع کافی، بیروت، نشر دارالاضواء.
- ۷۵- مامقانی، عبدالله، (۱۳۵۲ ه.ق)، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف، نشر مرتضویه.
- ۷۶- مجلسی، محمدباقر، (بی تا) بحار الانوار، بیروت، نشر مؤسسه وفا.
- ۷۷- -----، (۱۳۴۸)، عین الحیوة، نشر علمیه اسلامیة.
- ۷۸- ماهنامه فرهنگی اجتماعی آشنا، (۱۳۹۵)، شماره ۲۰۰.
- ۷۹- ماهنامه فرهنگی اجتماعی بشارت، (۱۳۸۶)، شماره ۵۸.
- ۸۰- محدث نوری، حسین (۱۴۰۸ ه.ق)، مستدرک الوسائل، قم، نشر آل بیت.
- ۸۱- محمدی، محمدحسین، (۱۳۹۳)، هزار و یک داستان اخلاقی، تهران، نشر نیلوفر.
- ۸۲- محمدی اشتهازدی، محمد، (۱۳۸۶)، پندهای جاویدان، تهران، نشر نبوی.
- ۸۳- محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۴)، میزان الحکمة، قم،



نشر دارالحدیث.

۸۴- مشکینی، علی، (۱۳۸۲) نصایح، مترجم: احمد جنتی، قم، نشر هادی.

۸۵- -----، (۱۳۸۲)، مواظ العدیبه، قم، نشر هادی.

۸۶- مطهر، محمد، (۱۳۸۱)، گلبرگ‌های حسینی، تهران، دانش هوشیار.

۸۷- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۹۶) پیام امیر المؤمنین علیه السلام، قم، نشر امام علی بن ابی طالب علیه السلام.

۸۸- -----، (۱۳۷۰)، تفسیر نمونه، قم، نشر دارالکتب الاسلامیه.

۸۹- منتطری یزدی، محمد، (۱۳۹۰)، کشکول، قم، نشر تهذیب.

۹۰- ناصری، محمود، (۱۳۸۷)، داستان‌های بحار الانوار، قم، نشر دارالثقین.

۹۱- نراقی، ملامهدی، تحفة الرضویه، (۱۳۸۶)، نشر بوستان کتاب قم.

۹۲- نوری، قاضی، ولوئی، (۱۳۹۰)، شاموخ، قم، نشر اعتدال.

۹۳- نائینی نیستانکی، محمدحسن، (۱۳۷۷)، گوهر شب چراغ، به تصحیح سید محمدجواد ذهنی تهرانی.

۹۴- نهاوندی، علی اکبر، (۱۳۸۵)، العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان علیه السلام، مشهد، نشر برکات اهل بیت.

۹۵- وحیدی، محمد، (۱۳۸۳)، درآمدی برآموزش احکام، قم، نشر عصمت .

۹۶- ورام بن ابی فراس، (۱۳۷۶)، نزهه النواظر و تنبيه الخواطر فی و الترهیب و الواعظ، قم، نشر مکتب فقه.

۹۷- هاشمی، سعید، (۱۳۸۹)، هزار و یک گزاره، قم، نشر براق.

آثاری که از مؤلف منتشر شده است:

پندهای ماندگار جلد ۱، انتشارات هادی تبریز.

پندهای ماندگار جلد ۲، انتشارات هادی تبریز.

نماز انس با خدا، انتشارات هادی تبریز.

قصه‌های ماندگار از خوبان روزگار، انتشارات نسیم حیات قم.

نفایس و لطایف، انتشارات نسیم حیات قم.

۳۱۳ نکته گهربار، انتشارات مائده تبریز.

بیست مقاله در موضوعات مختلف.



هزینه چاپ این کتاب توسط آقای حاج علیرضا ناصرزاده  
پرداخت شده است .